

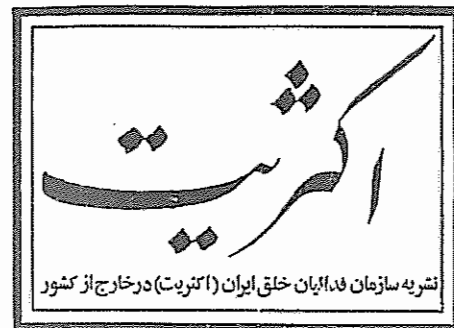
«ارتباط اسرائیلی»

رفسنجانی به معامله با اسرائیل اعتراض کرد

رژیم خمینی از سالها پیش با اسرائیل معاملات تسلیحاتی داشته است

مقتدنامه نیوزویک در شماره ۸ دسامبر خود مقاله‌ای تحت عنوان "درون ارتباط اسرائیلی" درباره معاملات تسلیحاتی رژیم خمینی و اسرائیل به چاپ رسانده است. در این مقاله آمده است: "در اکتبر ۱۹۸۰... دولت اسرائیل تائیدهای ساخت اسرائیل برای جت‌های فانتوم اف-۴ ایران که ساخت آمریکا است به ایران فروخت. حجم این معامله به صدها هزار دلار بالغ می‌شد." نیوزویک می‌نویسد در سال ۱۹۸۱ آریل شارون وزیر دفاع وقت اسرائیل طی دیداری با الکساندر هیگ وزیر خارجه پیشین آمریکا، دلایل اسرائیل برای تحویل اسلحه

به ایران را تشریح کرده، گفت تل آویو از این طریق "راه ورود به ایران" را بروی خود باز می‌کند. به نوشته نیوزویک، یک مقام عالیرتبه آمریکایی تایید می‌کند که وزیر خارجه آمریکا در همان زمان با استدلال شارون موافقت کرد و آن را پذیرفت. بقیه در صفحه ۲



نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبه) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۷ آذر ۱۳۶۵ برابر ۸ دسامبر ۱۹۸۶
بها ۶۰ ریال - سال سوم - شماره ۱۳۶

نیم میلیارد دلار: جبر یا اختیار؟

واقعیت چیست؟ آیا قضیه نیم میلیارد جزو پرونده سیاه رژیم جمهوری اسلامی نیست؟ این مبلغ را به اختیار در اختیار آمریکا گذاشته‌اند و یا بنا بر ادعای نخست وزیر رژیم پای جبری در میان بوده است؟

نخست لازم است متذکر شویم که جمهوری اسلامی بر مبنای قرارداد الجزایر (به قول خودشان بیانیه الجزایر) مبالغ هنگفتی در اختیار بانک مرکزی انگلستان و بانک فدرال رزرو نیویورک و نیز دادگاه لاهه قرارداد تا بانکها و انحصارات آمریکایی همه دعوی خود را از آنها برداشت نمایند. این مبالغ از این قرار بودند:

۱ - مبلغ ۲ میلیارد و ۶۶۷ میلیون دلار برای بازپرداخت بقیه در صفحه ۲

میرحسین موسوی، نخست وزیر جمهوری اسلامی در پایان جلسه روز ۲۵ آبان هیات دولت، در رابطه با "۵۰۰ میلیون دلار"ی که در ماههای اخیر یکی از موضوعات مذاکره با آمریکا بوده است پس از طرح این دروغ که قضیه ۵۰۰ میلیون دلار به این رژیم بر نمی‌گردد، چنین گفت: "این مساله یعنی بازپس گیری حدود ۵۰۰ میلیون دلار هیچ ربطی با مسائل اخیر ندارد و این در رابطه با پولی است که آمریکا به زور در حساب شماره یک خود ضبط کرده بود. حدود ۲ یا ۴ ماه پیش حکمی از سوی دادگاه لاهه به امضا رسید که بر اساس این حکم مقرر گردید هیاتهای ایرانی و آمریکایی در چهارچوب حقوق دادگاه لاهه که بیانیه الجزایر تعیین کرده است با هم مذاکره نمایند و باعث شد که مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار مسترد گردد"

بابی که گشوده شد

درون رژیمش بفهماند رابطه با آمریکا حساس تر از آن است که موضوع کشمکش‌های معمول، درون حکومتی گردد. بدنیاال سخنان خمینی، هشت نماینده مجلس آخوندی که خواسته بودند با مانور حول رسوایی اخیر، موضع جناح خود در رژیم را تحکیم و موقعیت رقبا را تضعیف کنند، به جای خود نشانده شدند و سئوالهای خود از وزیر خارجه در مورد ارتباط با دولت آمریکا را پس گرفتند. به گفته رفسنجانی، خمینی "فتنه را از ریش خواباند". (کیهان - آذوب)

رئیس مجلس و نماینده خمینی در شورای عالی دفاع با اشاره به تعبیر خمینی از تماس با آمریکا به عنوان "بیدوزی" افزود: "در شرایطی که شیب‌بندی این بیدوزی می‌توانست همه ملت ما را شاداب بکند، بگونه‌ای بقیه در صفحه ۲

بیش از یک ماه از انتشار نخستین گزارش درباره تماسهای پنهانی رژیم خمینی و دولت ریگان گذشت. در این پنج هفته، پرده از رسوایی‌های بزرگی برگرفته شد: ۱۸ ماه مذاکرات سری رژیم فقها با "شیطان بزرگ"، تحویل جنگ افزارهای آمریکایی به جمهوری اسلامی، میانجی‌گری "اشغالگران قدس" در رابطه ایران و آمریکا، همکاری اطلاعاتی سیا و ساواک خمینی، سفر مک فارلین به تهران، هدستی تهران و واشنگتن در توطئه علیه انقلاب افغانستان، کمک ۲۰ میلیون دلاری رژیم خمینی به ضدانقلابیون نیکاراکوه... در تهران برای کنترل سلسله زنجیر رسوایی‌ها و خودافشگری‌ها خمینی به صحنه آمد تا با عتاب و خدو نشان کشیدن، به همه نیروها و عناصر

تحصن پناهندگان ایرانی در دانمارک

بدنیاال وضع مقررات جدید و تغییر قانون پناهندگی از طرف دولت دست راستی دانمارک، اداره مهاجرت ویلیس این کشور در ماههای اخیر در جهت تشدید محدودیت و فشار بر علیه پناهندگان ایرانی به اعمال و شیوه‌های غیرانسانی مبادرت می‌نمایند. دولت دانمارک، اخیراً طرحی را در مجلس این کشور به تصویب رسانده است که بر اساس آن تنها کسانی می‌توانند در دانمارک تقاضای پناهندگی بکنند که در کشور خود ویزای ورود به دانمارک راتهبه کرده و به طور مستقیم به دانمارک وارد شده باشند. با توجه با قانون مذکور، عملاً مرزها، این کشور به روی متقاضیان پناهندگی بسته شده است. سیاستهای غیر انسانی دولت دانمارک در رابطه با ورود و توقف پناهندگان سیاسی در این کشور، تنها بقیه در صفحه ۱۲



یوانمان زندانند زندانبانان جلادند ای جلاد مرگت باد!

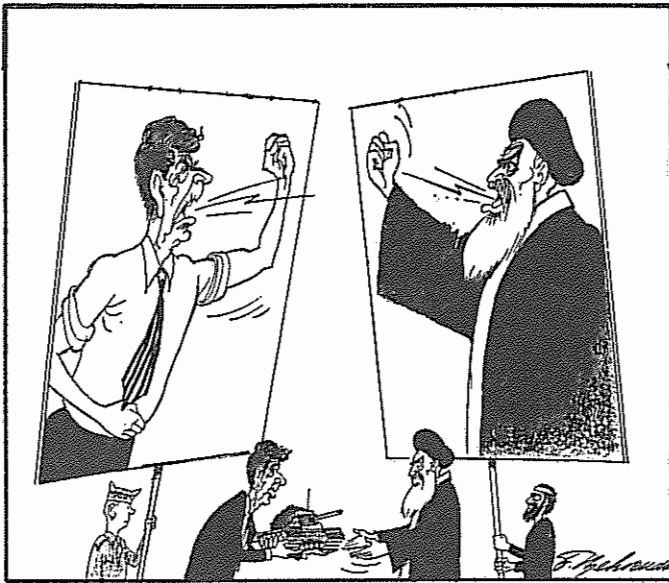
در شماره پیش نشریه خیر دادیم که زندانیان قهرمان زندان اوین دست به اعتصاب غذا زده‌اند. این اعتصاب از اواسط آبان آغاز گردید. اعتصاب دلاورانه فرزندان اسیر خلق، قطع ملاقات زندانیان سیاسی با خانواده‌هایشان را در زندان‌های اوین و قزل‌حصار در پی داشت. قطع ملاقات بخاطر مراس رژیم جنایتکار خمینی از گسترش خیر مبارزه قهرمانانه زندانیان سیاسی انجام گرفت. از جمله خواهتهای زندانیان سیاسی در این اعتصاب غذا بهبود وضعیت اسفبار زیستی و بهداشتی در سپاه‌چال‌ها، رژیم خمینی است.

اخبار و گزارش‌های رسیده از زندان‌ها، رژیم حاکی از آن است که در طول اعتصاب زندانیان اعتصابی از نظر سلامت جسمی در وضعیت وخیمی قرار گرفته و برخی به بیمارستان انتقال یافته‌اند.

در طول مدت اعتصاب، فشارهای جسمی و روانی مأمورین بر زندانیان افزایش یافت. آنان تلاش می‌کردند با انواع ترفندها بر اراده استوار و بقیه در صفحه ۲

بابی که گشوده شد

بقیه از صفحه اول



کاریکاتور بالا در روزنامه هلندی فولکس کرانت چاپ شده است. اگر چه در این کاریکاتور فریبکاری خمینی و ریگان به نحو جالبی بازنمون شده است، اما در واقعیت این خمینی است که در برابر ریگان کرنش می‌کند و نه برعکس.

اسلامی پی خواهند برد. آخوندها برای برقراری روابط حسنه با "شیطان بزرگ"، تلخی‌ها را از هم اکنون فراموش کرده‌اند و رویای سالیهای "شیرین" رامی‌بینند. پنج هفته پرتلاطم گذشت. برای رژیم خمینی و دولت آمریکا، دنیای پس از این پنج هفته، دنیای پیش از آن نیست. در آینده دیگر هیچ کس از تماسهای آشکار و پنهان، از بندوبست‌های باز هم بیشتر تعجبی نخواهد کرد. روابط جماران و کاخ سفید به مثابه پدیده‌ای عادی پایه‌ریزی شده است. نظیر روابطی که همه رژیمهای ضد خلقی جهان با امپریالیسم آمریکا دارند. شاید آهنگ پیشبرد این روابط تندتر یا کندتر شود، شاید گسترش این مناسبات از این یا آن طریق، از این یا آن مسیر ادامه یابد. این همه، فرع است. اصل، همان بابی است که گشوده شد. باب مراودات دوستانه، باب مناسبات علنی.

مسائل مطرح بشود که شیرینی این پیروزی، را که امام فرمودند بزرگترین پیروزی، سیاسی تاریخ اخیر ماست و واقعا هم همینطور است... در این شرایط خواستند که این شیرینی را تلخ بکنند برای ملت ما که الحمدلله امام با تذکراتشان جلوی این مسئله را گرفته‌اند. آخوندها به این امید بسته‌اند که به تدریج، آنها از آسیاب بیافتند و تنش‌های ناشی از رسوایی‌های پیاپی پایان پذیرد، تا آنها بتوانند همراه با "شیطان بزرگ" به "مزمزه کردن" شیرینی روابط علنی شده بپردازند: "شیرینی" دریافت اسلحه بیشتر برای کشتار مردم ایران و عراق، "شیرینی" به فراموشی سپردن دوره قهر و بیرخاش با عوسام، پدر خانواده جهانی سرمایه. چرخ بوش معاون ریگان می‌گوید آمریکایی‌ها باید خاطرات ماجرای اشغال سفارت آمریکا در تهران را فراموش کنند، آنگاه خود به لزوم پیوند استراتژیک با جمهوری

حزب کمونیست آمریکا :

دستگاه جاسوسی دولت باید درهم شکسته شود

حزب کمونیست آمریکا در ارتباط با رسوایی‌ها، اخیر، خواهان درهم شکستن دستگاه جاسوسی دولت آمریکا شد. "دیپلی ورلد" ارگان حزب کمونیست آمریکا در مقاله‌ای با اشاره به دروغ‌گویی‌های مکرر آمریکا می‌نویسد دولت ریگان از سالها پیش تروریستهای ضد انقلابی نیکاراگوئه را مجبور می‌کند و در خاور نزدیک حاشه تحقق صلح است. "دیپلی ورلد" می‌افزاید: "درست در همان ساعاتی که دولت، غیر نظامیان بیگناه را در لیبی بمباران می‌کرد تا به ادعای خود با تروریسم مبارزه کند، سرگرم توطئه چینی با آنهایی بود که در لبنان، انسانهای بیگناه را می‌ربایند و به قتل می‌رسانند. هدف دولت در این توطئه به گفته خود او احیای "نفوذ" او در ایران بود، یعنی در کشوری که زمانی در آن شاه قاتل با حمایت ایالات متحده حکومت می‌کرد. دولت برای دستیابی به این هدف در برابر مردم آمریکا و جهان وانمود می‌کرد که خواهان برقراری صلح میان ایران و عراق است، در حالیکه همزمان با آن، هم‌دست ادامه کشتار جمعی گردید تا اهدافش را تحقق بخشد. از آنجا که از چنین سیاستی نمی‌توان علنا دفاع کرد، اقدامات مخفی تشدید شد."

حزب کمونیست آمریکا در موضعگیری خود، خواهان تحقیقات همه جانبه پیرامون رسوایی "ایران گیت" (کنایه از شباهت آن با ماجرای واترگیت) گردید، اما در عین حال هشدار داد اگر این تحقیقات بدون در نظر گرفتن سیاست عمومی دولت انجام گیرد، به‌مانور گمراه کننده‌ای تبدیل خواهد شد. "دیپلی ورلد" تاکید می‌کند تعویض مهره‌ها به جای محکوم کردن سیاستی که به "ایران گیت" انجامید، خواست جناح ماورا را است حامی ریگان است. ارگان حزب کمونیست آمریکا در پایان در مورد تحقیقات پیرامون معامله واشنگتن و تهران می‌نویسد:

"این تحقیقات باید به اختیارات جدید دستگاه جاسوسی دولت که در مرکز آن، سیا، شورا، امنیت ملی و اف بی آی همراه با پیوندهای آن با ماورا راست و با صنایع تسلیحاتی فرار دارند، رسیدگی کند... درهم شکستن کامل این دستگاه و نه فقط تعویض این یا آن فرد با فردی دیگر؛ این است ضرورت لحظه. مهمتر از این سؤال که رئیس جمهور چه می‌دانست و چه وقت می‌دانست، این پرسش است: چه کسی درباره سیاست این کشور تصمیم می‌گیرد، و با مسئولیت در قبال چه کسی؟"

نیم میلیارد دلار :

جبریا اختیار ؟

ببیندازد" این مبلغ را یکجا به حساب بانک فدرال رزرو واریز کرد. بانکهای آمریکایی، پای برداشت از این خاصه خرجی که پیش آمد، هر چه دفتر و دستک خود را بهم زدند، نتوانستند لیست دعای خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که همه این مبلغ را بالا بکشند. همه، طلبهای ادعایی خود را که به (۲/۱ میلیارد دلار سر می‌زد پس گرفتند و در آخر ۵۰۶ میلیون دلار به حساب (حساب شماره یک) باقی ماند. این ۵۰۶ میلیون دلار همین ۵۰۰ میلیون دلاری است که نخست وزیر در مورد آن چنان دروغهایی گفته است. بنابر این، نیم میلیارد دلاری که همچنان سر نوشت مبهمی دارد و هنوز معلوم نیست در کاوصندوقهای فدرال رزرو بانک باقی خواهد ماند یا به ازای اسلحهای آمریکایی و اسرائیلی در اختیار ضد انقلابیون نیکاراگوئه و افغانستان قرار خواهد گرفت، جز بدل و بخشش‌های خود این رژیم است و برخلاف ادعای وقیحانه موسوی در این بدل و بخشش پای اختیار در بین بوده است و نه اجبار.

بقیه از صفحه اول
وامهایی که از بانکهای آمریکایی گرفته شده بود، مستقیما به حساب بانک فدرال رزرو نیویورک واریز گردید تا آن بانکها از این طریق دعاوی خود را برداشت کنند.

۲ - علاوه بر مبلغ بالا یک میلیارد و ۴۱۸ میلیون دلار به حساب بانک مرکزی انگلستان واریز گردید تا بعدا صرف بقیه دعاوی بانکهای آمریکایی در زمینه بهره و مطالبات غیر مشخص و احتمالی آنها شود.

۲ - و بالاخره یک میلیارد دلار در اختیار دیوان لاهه گذاشته شد تا دیگر انحصارات آمریکایی بر مبنای دعاوی خود از آن برداشت کنند.

قضیه نیم میلیارد دلار مورد اشاره نخست وزیر به خاصه خرجی شماره یک برمی‌گردد. رژیم در جریان انعقاد قرارداد الجزایر دعاوی رنگارنگ آمریکا را چشم بسته پذیرفت. بانکهای آمریکایی میزان طلبهای مشخص خود را ۲ میلیارد و ۶۶۷ میلیون دلار اعلام کردند. جمهوری اسلامی بدون این که "چرتکه

«ارتباط اسرائیلی»

بقیه از صفحه اول

هفته نامه نیوزویک می افزاید پس از این ملاقات، اسرائیل "بدون آنکه نیازی به تشویق داشته باشد" معاملات تسلیحاتی عمده ای را با "ایران تشنه سلاح" ادامه داد. به گفته منابع اسرائیلی، تل آویو بخش بزرگی از سلاحهای به غنیمت گرفته شده در تجاوز اسرائیل به لبنان را در سال ۱۹۸۲ به ایران فروخت این سلاحها شامل جنگ افزارهای سبک و مهمات آن بود. این منابع می گویند تنها در سال ۱۹۸۲، اسرائیل ۱۰۰ میلیون دلار جنگ افزار شامل موتورهای جت، لوازم یدکی برای تانکهای ام - ۴۸ ساخت آمریکا، مهمات و سایر تجهیزات به جمهوری اسلامی فروخته است (با توجه به حجم و دامنه این تجهیزات به نظر می رسد مبلغ پرداختی از سوی رژیم خمینی در سال ۱۹۸۲ بسیار فراتر از ۱۰۰ میلیون دلار بوده است).

منابع مورد اشاره نیوزویک گفته اند در صورتیکه برای فروش سلاح آمریکایی به ایران، نیاز به "گواهی مقصد نهایی" بود، رژیم مارکوس در فیلیپین با دریافت ۵ درصد از حجم معامله، این گواهی ها را صادر می کرد. (طبق قوانین آمریکا، مگرک این کشور موظف به کنترل چنین گواهی هایی در مورد صادرات سلاح است. از آنجا که در سال ۱۹۸۰ دولت

آمریکا اعلام کرد صدور سلاح به ایران را ممنوع کرده است، برای تحویل سلاح به جمهوری اسلامی نیاز به گواهی های جعلی وجود داشت.)
به نوشته نیوزویک در سال ۱۹۸۴ معاملات تسلیحاتی اسرائیل و ایران به اوج رونق خود رسید و حتی آریل شارون وزیر دفاع اسرائیل علنا به

وجود آن اشاره کرد. اما به درخواست آمریکا، دولت اسرائیل رسماً فروش سلاح به ایران را تکذیب کرد و به طور پنهانی معاملات را ادامه داد.

این هفته نامه آمریکایی می افزاید ابتکار استفاده از تجارب اسرائیل در معامله با رژیم خمینی برای برقراری پیوندهای سری میان واشنگتن و تهران، برای نخستین بار از جانب داوید کیمخه یک مقام وزارت خارجه اسرائیل و یعقوب نیروودی وابسته نظامی سفارت



سه اسرائیلی که تماسهای تل آویو و تهران را هماهنگ کردند: امیرام نیر، مشاور شیمون پرز (بالاست چپ) یعقوب نیروودی، وابسته نظامی اسرائیل در تهران پیش از انقلاب و دلال کنونی اسلحه (پایین سمت چپ) داوید کیمخه، مدیر کل در وزارت خارجه اسرائیل.

اسرائیل در تهران در دوره حکومت شاه مطرح گردید. نیروودی هم اکنون یک تاجر اسلحه است و با سوداگری مرگ، برای خود در تل آویو کاخ مجللی ساخته است.

کیمخه، نیروودی و آل شویرر، بنیانگذار صنایع هواپیماسازی اسرائیل، با موافقت واشنگتن ارتباط میان مقامات رژیم خمینی و عدنان قاشقچی، تاجر اسلحه و میلیاردر سعودی را برقرار کردند. در اواخر ژانویه ۱۹۸۶، سه اسرائیلی نامبرده جای خود را به امیرام نیر، مشاور شیمون پرز نخست وزیر وقت اسرائیل دادند و وی تماس با ایران را ادامه داد.

روزنامه واشینگتن پست در روز ۲ دسامبر نوشت واسطه های اسرائیلی در ماه نوامبر ۱۹۸۵ لوازم یدکی موشکهای از دور خارج شده "هاوک" را به ایران فرستادند. حال آنکه جمهوری اسلامی تجهیزات مدل جدید این موشک ضد هوایی را سفارش داده بود. بدنبال این ماجرا، که به ابراز گلایه از سوی رژیم خمینی منجر شد، آمریکا شروع به ارسال مستقیم سلاح به ایران کرد.

بدنبال افشای تماسهای رژیم خمینی و "اشغالگران" قدس، رفسنجانی در نماز جمعه ۱۶ آذر به وجود این مناسبات اعتراف کرد اما مدعی شد دلالت اسلحه به مقامات جمهوری اسلامی "دروغ گفته بودند" و این نکته را که سلاحها از اسرائیل بازرگاری شده است، از آنها پنهان می کردند.

یارانمان زندانند...

بقیه از صفحه اول

روحیه رزمسند زندانیان فاتح آیند و اعتصاب را با شکست مواجه سازند. از جمله اقدامات رژیم در این زمینه پراکنده ساختن زندانیان اعتصابی و انتقال آنان به زندانهای دیگر و سولولهای انفرادی بوده است.

گزارشهایی بر پایان یافتن اعتصاب غذا در روز جمعه ۷ آذر دلالت داشته اند، اما با توجه به محدودیت های اعمال شده در پی اعتصاب، امکان تایید نهایی این گزارشها هنوز مقدور نیست.

طی چندین سال، دژخیمان و مبلغان رژیم تلاش داشتند که تصویر دیگرگون از زندانها و شکنجه گاهها ارائه دهند. آنان می گویند جو عمومی زندان را جو خمود و یاس و ندامت بازتاب دهند. اخبار مقاومت های حماسی زندانیان، بویژه قهرمانی های اسطوره ای اسیرانی چون رفیق رضی الدین تابان بر بیابان این حرکات گواهی می دادند و اینک خبر

این اعتصاب غذای جمعی در شکنجه گاه اوین و قزل حصار به روشی "جو عمومی زندان" و روحیه ورزمندگی قهرمانانه زندانیان انقلابی را به نمایش می گذارد.

خانواده های زندانیان سیاسی که از جان فرزندان اعتصابی خود بیمناک بوده اند، به اشکال گوناگون نگرانی خود را از سر نوشت عزیزان زندانی خویش ابراز داشته و نسبت به وضعیت آنان اعتراض کردند. آنان بعینه حرکات خود را در جلوگیری از یک جنایت و کشتار جمعی موثر می دیدند. این تاثیر و وظیفه فقط به ایران و داخل کشور محدود نمی شود. زندانیان سیاسی را خطرهای مختلف و بویژه خطر جانی، حتی پس از پایان اعتصاب غذا نیز تهدید می کند. باید به شکل و با بیشترین نیرو، با بیشترین نیروی متحد خود، یاران زندانیان را یاری دهم اعتصاب غذای فدائیان خلق درد انمارک که یکی از اهداف آن اعتراض به وضعیت زندانیان سیاسی ایران بود و خبر آنرا در شماره پیش نشریه منعکس کردیم در این زمینه آموزنده است.

جنگ پرگرنانه خلیج

پس از هر نبرد،

کرکسان از در دست می آیند،

از کوبیت و عمان پرواز می کنند و می آیند تا سپهر شوند،
تاسپری، پدید شد از پیکر تازه به خاک افتاده کودکان
که بر مید انهای مین بر کرانه شال العرب پراکنده اند.

پس از هر نبرد،

نمایندگان شرکتهای نفتی به مید انهای جنگ می آیند
می آیند تا ببینند نفت درون لوله ها،
به خون آغشته شده باشد.
تابه ببینند سپهر دلارهای نفتی ادامه دارد باشد.

پس از هر نبرد، سوداگران مرگ

در "کوت دازور" گرد می آیند،

تابه حسابهای خود برسند.

تا ببینند چه سلاحهایی نابود شده

و چه سلاحهایی باید تحویل دهند.

پتروشوت،

شاعر کمونیست

اهل آلمان فدرال،

که از

بنیانگذاران

"کمیته علیه جنگ

خلیج" در این

کشور است، یکی از

اشعار خود را که

درباره جنگ

بی سرانجام ایران

و عراق سروده

برای ما ارسال

داشته است.

ترجمه این شعر را

در مقابل

می خوانیم:

افشای معاملات نظامی انگلستان با جمهوری اسلامی

رسالت اول آذر - در پی انتشار خبر مذاکرات هیات جمهوری اسلامی با مقامات وزارت دفاع انگلستان - که خبر آن در شماره گذشته نشریه درج شد - روزنامه ایندپندنت چاپ لندن طی یک گزارش اعلام کرد که مذاکرات هیات جمهوری اسلامی با شرکت "اینترنشنال میلیتاری ساینز" وابسته به وزارت دفاع انگلیس، از جمله در رابطه با تعمیر و سرویس تانکهای چیفتن بوده است. روزنامه ایندپندنت فاش ساخت که دفتر شرکت "اینترنشنال میلیتاری ساینز" همچنان در ایران دایر است. بر اساس قراردادهای منعقد شده بین این شرکت و حکومت سابق ایران، شرکت "اینترنشنال میلیتاری ساینز" موظف به ساخت پایگاه‌های نظامی و تحویل تجهیزات جنگی به ایران بوده است. نشریه فوق در ادامه مقاله خود فاش می‌سازد که شرکت مذکور ۱۸ ماه پیش قلععات تانک چیفتن به جمهوری اسلامی تحویل داده است.

از سوی دیگر "رنتون" یکی از معاونین وزارت امور خارجه انگلستان در مراسم تودیع باسید جلال ساداتیان (کاردار سابق جمهوری اسلامی در لندن) به پاسداری و گسترش مناسبات دو کشور تاکید ورزیده است.

"ارتش بیست میلیونی" "ارتش سی میلیونی" شد

کیهان هوایی ۱۲ آذر - حجت الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور رژیم شورای عالی دفاع در پایان جلسه شورای عالی پشتیبانی جنگ اظهار داشت: "با جمعیت ۴۸ میلیونی، کشورمان دارای ارتش عظیم ۲۰ میلیون نفری است." نامبرده افزود: "روزی که امام ارتش بیست میلیونی را اعلام کردند جمعیت کشور ۲۶ میلیون نفر محاسبه شده بود و با جمعیت ۴۸ میلیونی کشورمان می‌توانیم بگوییم که دارای ارتش عظیم ۲۵ و ۲۰ میلیون نفری هستیم." خامنه‌ای در

سخنان خود بر آموزش نظامی اجباری تاکید ورزید و اظهار داشت این آموزش: "به این معناست که مردان، جوانان و کلیه کسانی که آمادگی رزم را دارند آمادگی‌های لازم را به هنگامی که به وجود آنها احتیاج باشد در خود فراهم کنند."

رئیس جمهور رژیم تلویحا اعتراف کرد که مردم نسبت به جنگ بی‌تفاوت شده و از شرکت در برنامه‌های نظامی رژیم امتناع می‌ورزند، وی خاطر نشان ساخت: "دانشجویان و دانش‌آموزان، کارگران و اصناف و کلیه اشراف شهری و روستایی باید این احساس را در خود به وجود بیاورند و زنده کنند."

مانور شهری خندق، ادامه دارد!

همانگونه که در شماره گذشته نشریه نیز انعکاس یافت، مانور شهری خندق روز ۵ آذر ماه در تهران و سایر شهرهای کشور بمورد اجرا گذاشته شد. این مانور که برای مقابله و سرکوب نیروهای انقلابی و مخالف رژیم پیش بینی شده است با اقداماتی از قبیل عملیات نظامی و کنترل کامل عبور و مرور در سطح شهرها اجرا گردید. در گزارش واحد بسیج سپاه پاسداران و گزارش‌های رسانه‌های دولتی تنها از آغاز مانور سخن به میان آمده و هیچ یک از مسئولین رژیم زمان خاتمه این مانور را اعلام نکرده‌اند. بدین ترتیب رژیم در آینده نیز از اقدامات مشابهی چه در سطح یک شهر و یا در کل کشور، بهره خواهد گرفت. روزنامه کیهان ۵ آذر ماه در رابطه با هدف اجرای مانور شهری، خندق تصریح کرده است: "هدف از برگزاری این مانور بزرگ، نمایش قدرت نیروهای بسیجی در ایجاد امنیت و خرابی از شهرها و مناطق حساس در موقه اضطراری" بوده است.

جاری شدن سهیل در هفت استان کشور

در پی بارندگی شدید روزهای اخیر، سیل در بسیاری از شهرهای میهنمان جاری شده است. همانگونه که در شماره گذشته اکثریت نیز انعکاس یافت در

جریان جاری شدن سیل در اواسط آبانماه در استان خوزستان نزدیک به ۲۰ تن کشته و مجروح شده و صدها واحد مسکونی آسیب دیدند.

با تداوم بارندگی در نقاط مختلف کشور، سیل در شهرهای استانهای کرمان، کهگیلویه و بویر احمد، خراسان، خوزستان، بوشهر، یزد و فارس نیز جاری شد. بر اساس گزارشات رسمی، شدت جریان سیل باعث مسدود شدن بسیاری از جاده‌های کشور گردید. ارتباطات تلفنی و جریانی برق در چند نقطه و از جمله در شهر شیراز برای مدت چند روز قطع شد. گزارشات دریافتی ماحکی است که ارتباط زمینی و هوایی این شهر با سایر نقاط کشور، هم چنان قطع می‌باشد. در شهر یزد ۱۲ هزار نفر در محاصره سیل قرار گرفتند. مسئول هلال احمر جمهوری اسلامی در توجیه بی‌توجهی دولت به سرنوشت این افراد، مدعی شد کمک رسانی به آنان حتی به وسیله هلی‌کوپتر نیز ناممکن است. رژیم جمهوری اسلامی تاکنون گزارشی از میزان تلفات این سیل ارایه نکرده است، اما بنا به گزارشهای رسمی میزان خسارت وارده بسیار سنگین ارزیابی می‌شود. بنا به همین گزارش‌ها، میزان خسارت وارده آمده در برخی از نقاط تا صد درصد اعلام شده است. باید خاطر نشان ساخت که بارندگی در نقاط مختلف کشور کماکان ادامه دارد.

تذکره وزیر امور خارجه!

رسالت ۲ آذر - در پی انتشار سئوالات ۸ تن از نمایندگان مجلس که مذاکرات پنهانی مقامات رسمی جمهوری اسلامی با فرستادگان ویژه ریگان را فاش کرده بودند، یکی از نمایندگان مجلس ضمن تهدید این ۸ نماینده و "یاران آنان" اظهار داشت: "مجلس شورای اسلامی جای کسانی (اعوان و انصار بقائی) که گوش به توصیه‌ها و فرامین امام ندارند نیست." نماینده مزبور در ادامه سخنان خود به همراهی ولایتی با ۸ تن نماینده‌ای که از وی سؤال کرده بودند، اشاره کرده و تذکره داد: "در اینجا وجدان‌ها و شرع‌ها خود را موظف به توصیه بردارانه به وزیر محترم امور

اخباری از جنگ

۳۶۶ کشته و صدها مجروح

جمهوری اسلامی، تعداد کشته‌شدگان و مجروحین حملات هوایی عراق به شهرهای اندیشک، دزفول، باختران، سربندر و سقز را که در هفته نخست آذرماه به وقوع پیوست، اعلام کرد. بنا به آمار دولتی در جریان این حملات ۳۶۶ تن کشته و صدها تن مجروح شده‌اند. جمهوری اسلامی با ارسال یادداشتی برای دبیرکل سازمان ملل متحد، "خواستار محکومیت حملات عراق به مناطق مسکونی" شده است.

روز ۱۴ آذرماه، بدنیا یک آرامش چند روزه در جبهه‌های جنگ، چنگنده بمب افکن‌های عراق به ایستگاه راه آهن هفت تپه ودویل در جنوب بندر خمیر و شهر میروان حمله

کردند که در جریان این حملات بازهم عده دیگری از مردم کشورمان کشته و مجروح گشتند. رژیم تبهکار عراق روز ۱۵ آذرماه نیز به حومه شهر اهواز حمله کرده و یک منطقه کارگری این شهر را بمباران نمود.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی نیز با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد که در پاسخ به حملات اخیر رژیم عراق به شهرهای هفت تپه و اجواز، نیروی هوایی جمهوری اسلامی منطقه‌ای را در شمال عراق مورد حمله قرار داده است.

ستاد تبلیغات جنگ جمهوری اسلامی روز ۱۵ آذرماه با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن تایید حمله عراق به شهرهای میروان و هفت تپه، اعلام کرد که بمدت ۴۸ ساعت با توپخانه و هواپیماهای بمب افکن شهرهای مرزی

عراق را بمباران خواهد کرد. باید خاطر نشان ساخت که در جریان حملات توپخانه‌ای جمهوری اسلامی به شهر بصره و شهرهای مرزی عراق، تنها در هفته‌های اخیر صدها تن کشته و مجروح شده‌اند.

رژیم عراق روز ۱۵ آذر ماه اعلام کرد که توسط نیروی هوایی به دو کشتی در حوزه آبهای خلیج فارس حمله کرده و یک کشتی تدارکاتی ایران را غرق نموده است.

بنا به گزارش بیمه لویدز تاکنون ۲۶۰ فروند کشتی در آبهای خلیج فارس مورد حمله قرار گرفته که از آن بین حمله به ۹۹ کشتی مربوط به سال جاری مسیجی می‌باشد.

اعزام "سپاهیان محمد"

جمهوری اسلامی هفته گذشته

اعلام کرد که لشکر صد هزار نفری "سپاهیان محمد" بعد از انجام یک راهپیمایی در سلج شهر تهران، به جبهه‌ها اعزام شده است. همراه با اعزام لشکر صد هزار نفری، بسیج رادیوی دولتی اعلام کرد که یک "لشکر فرهنگی روحانیون" نیز به جبهه‌ها گسیل شده‌اند.

* روز یکشنبه ۱۶ آذر در بمباران شهر اهواز و حومه آن توسط بمب افکن‌های عراقی بیش از صد نفر از مردم کشته شدند.

* ستاد مشترک جنگ هفته گذشته اعلام کرد که در یک عملیات مشترک با حزب دمکرات کردستان عراق، (بارزانی‌ها)، نیروگاه برق فشارقوی موصل واقع در شمال خاک این کشور را مورد حمله قرار داده است.

جاری، ظرفیت دانشکده‌های پزشکی را چند برابر کرده و اقدام به تاسیس دانشکده‌های پزشکی در نقاط دیگر کشور نموده است، با کمبود استاد پزشکی مواجه می‌باشد. معاون وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی در مصاحبه خود فاش ساخت که علاوه بر طرح تمام وقت کردن کار استادان از نوارویدو نیز استفاده خواهد شد. وی خاطر نشان ساخت: "بزودی پانزده دانشکده پزشکی در مناطق مختلف کشور تاسیس خواهد شد که با توجه به کمبود استاد برای تدریس، در این دانشکده‌ها از نوارویدو و مقالات علمی اساتید داخل و خارج کشور استفاده می‌شود."

از میان دیگر رویدادها

* کیهان هوایی ۱۲ آذر - "به دستور دادستان عمومی تهران، دکتر نیک روز نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی به اتهام ایجاد روابط ناسالم دستگیر شد."

* اطلاعات اول آذرماه - روابط عمومی بهداری استان تهران اعلام کرد در مهرماه سال جاری ۲۴ واحد پزشکی در سطح شهر تهران تعطیل شده اند.

* روزنامه‌های دولتی اعلام کردند که انگلستان به اتفاق عمان اقدام به اجرای یک مانور مشترک ده روزه در خلیج فارس نموده‌اند. در این مانور که با نظارت وزیر جنگ انگلستان صورت می‌گیرد، ۴۷۰۰ سرباز انگلیسی، چهار جنگنده تورنادو جی و دو جنگنده تورنادو اف شرکت دارند. هدف از اجرای این مانور، چند حمله در مقابل یک تهاجم فرضی در خلیج فارس اعلام شده است.

* کیهان ۶ آذر اعلام کرد که نمایندگی فرهنگی ایتالیا در تهران تعطیل شده و سفیر جمهوری اسلامی در رم به کشور فرا خوانده شده است. رژیم این اقدامات را در پاسخ به نمایش یک برنامه تلویزیونی افشاگرانه علیه جمهوری اسلامی در تلویزیون ایتالیا انجام داده است.

* دبیر کل اتحادیه عرب، اقدام ایالات متحده مبنی بر تحویل اسلحه به جمهوری اسلامی را محکوم کرد و اظهار داشت که این اقدام جنگ را طولانی تر خواهد ساخت.

* کیهان ۶ آذر - محمد جواد سالاری سفیر جمهوری اسلامی در آلمان فدرال با هانس دبیرش کنش وزیر امور خارجه آلمان فدرال دیدار کرد و پیام کنشی ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی را به وی تسلیم کرد. سفیر جمهوری اسلامی درباره این ملاقات اظهار داشت: "وزیر خارجه آلمان (فدرال) علاقه وافر خود نسبت به ملاقات با دکتر ولایتی در بین را مورد تاکید قرار داد و اظهار داشت دولت آلمان غربی علاقمند است روابط خود با جمهوری اسلامی ایران را بهبود و گسترش دهد."

پیام ولایتی برای کنش چند روز پس از توقیف محموله تسلیحاتی جمهوری اسلامی در فرودگاه فرانکفورت توسط پلیس فرودگاه، ارسال شده است. این محموله توسط و کمپانی آلمانی و دانمارکی برای نبروهای مسلح جمهوری اسلامی فرستاده می‌شد.

ولایتی:

دشمن کنونی ما جبهه کفر جهانی است

کیهان ۶ آذر - ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در جمع دانشجویان عضو انجمن اسلامی دانشگاه علم و صنعت اظهار داشت: "دشمن کنونی ما جبهه کفر جهانی است و کفر همواره از ماتریالیسم و ماده‌گرایی متجلی بوده است و با گذشت زمان جوهر کفر فرقی نکرده بلکه کفر نمود بیشتری نیز داشته است." ولایتی که در ارتباط با مسئله سفر فرستادگان ویژه ریگان سخن می‌گفت از کسانی که "منکر ارتباط با دولت‌ها شده و تنها خواستار نزدیکی با ملت‌ها هستند" انتقاد کرد و این افرادی را که "افکار چپی را با رنگ و لعاب اسلامی در جامعه مطرح می‌کنند" محکوم نمود. روزنامه کیهان که سخنان ولایتی را بازتاب داد در این رابطه افزود: "ما وی (ولایتی) در سخنرانی خود به کسانی که طرف این دعوای و بحث‌ها هستند اشاره ای نکرد."

خدمات پستی نهران خواهد شد

کیهان هوایی ۱۲ آذرماه - غرضی وزیر پست و تلگراف و تلفن در گفتگویی با خبرنگاران اعلام کرد: "اداره پست بزودی به صورت یک واحد اقتصادی در داخل کشور فعال خواهد شد و این وزارتخانه حرکت جدیدی را آغاز خواهد کرد." وزیر پست و تلگراف و تلفن در ادامه سخنان خود مقاصد رژیم را از تبدیل اداره پست به یک واحد اقتصادی فاش ساخت. وی مدعی شد: "با جایجایی ۲۰۰ میلیون نامه در سال حدود ۱/۵ میلیارد تومان سالانه هزینه متحمل می‌شویم و هر نامه برای این اداره بین ۵ تا ۷ تومان سوسید در بر دارد." غرضی واستکی از وی بخش مخابرات این اداره را بالغ بر ۲۰ درصد اعلام کرد.

نوارویدو به جای استاد پزشکی

کیهان هوایی ۱۲ آذر - معاون وزیر وزارتخانه بهداشت و درمان و آموزش پزشکی در مصاحبه‌ای با روزنامه خراسان، برده از برنامه‌های این وزارتخانه در راستای گسترش دانشکده‌های پزشکی در نقاط مختلف کشور بر گرفت. رژیم که در سال تحصیلی

خارج می‌داند که حساب خود را از حساب سؤال کنندگان و دوستانشان جدا نموده مبادا خدای ناخواسته مطالب و نقاشاتی نزد ایشان بشود."

بدنبال سخنان تهدید آمیز خمینی، عده‌ای از نمایندگان مجلس به انتشار نامه‌ای با امضا اکثریت نمایندگان مجلس اقدام کردند. این عده در نامه خود علاوه بر تهدید این ۸ نماینده و یاران آنان، روزنامه رسالت را نیز بعنوان روزنامه وابسته به این عده که به "انتشار مطالب خلاف یا محرمانه" می‌ورزد، مورد حمله قرار دادند. روزنامه رسالت ۴ آذرماه در پاسخ به این نامه تصریح کرد: "نکته قابل توجه آنکه ما، جدا از انتساب این نامه را به اکثریت نمایندگان قابل بررسی می‌دانیم و بسیار بعید دور از ذهن می‌دانیم که چنین اتهاماتی را که بسیاری از آنها تعقیب قضائی نیز دارد به امضای جمع قابل توجهی رسیده باشد."

باید خاطر نشان ساخت که بدنبال سخنان تهدید آمیز خمینی، ۸ نماینده مزبور با انتشار نامه‌ای سؤالات خود را پس گرفتند.

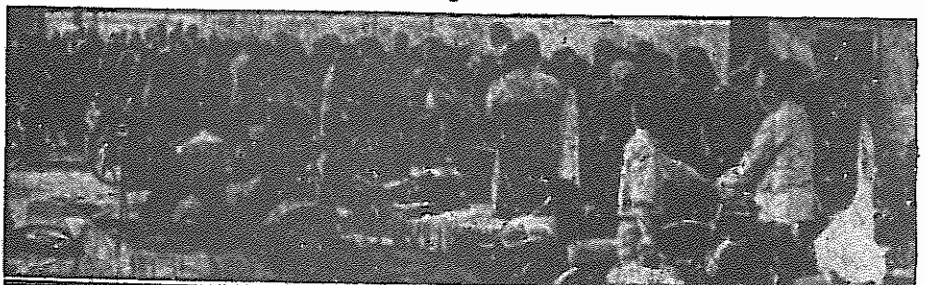
اعتراض ورزشکاران

به قدر اسپون فوتبال

فدراسیون فوتبال، جمهوری اسلامی بنا به درخواست مقامات رژیم، ۴ بازیکن تیم ملی را بمدت ۳ تا ۹ ماه از شرکت در بازیهای داخلی و خارجی محروم کرد. این چهار بازیکن تیم ملی که عبارتند از عبدالعلی چنتیز، محمد پنجعلی، حمید درخشان و اصغر حاجیلو، از جمله ۱۴ بازیکن مستعفی تیم ملی فوتبال هستند.

بدنبال اعلام رای فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی مبنی بر محرومیت این چهار بازیکن، تیم‌های باشگاهی فوتبال دست به اعتراض زدند. تیم‌های فوتبال پرسپولیس و استقلال در این رابطه از مسابقات جام حذفی استان تهران کناره‌گیری نمودند. در اطلاعیه تیم فوتبال استقلال که در روزنامه کیهان ۴ آذرماه نیز انعکاس یافت، تصریح شده است: "بدین وسیله به اطلاع دوستداران فوتبال می‌رسانیم با توجه به تصمیم اعلام شده فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران نسبت به بازیکنان مستعفی تیم ملی فوتبال، تیم استقلال هم انصراف خود را از ادامه شرکت در مسابقات جام حذفی استان تهران اعلام می‌دارد."

صاف گوشت



نایسامانی و ناهنجاریهای حاکم بر توزیع مواد غذایی بگونه‌ای شتابگیر در حال افزایش است. عکسی که مشاهده می‌کنید، تابلویی است گویا از نحوه توزیع گوشت. بهای یک کیلو گوشت در بازار آزاد بالغ بر ۲۰۰ ریال است و بهای یک کیلو گوشت سهمیه ۷۵۰ ریال بعلاوه ساعتها و گاه روزها انتظار در صف.

گردهمایی اعتراضی بافندگان تهران

روز چهارشنبه ۲۱ آبان ماه سال جاری اعضای صنف کتیاف (تریکو) طی یک حرکت اعتراضی یک پارچه، دولت را وادار ساختند از تصمیم خود مبنی بر افزایش قیمت انواع نخ عقب نشینی کنند. قیمت انواع نخ مورد نیاز صنف کتیاف طی ۶ ماه نخست سال جاری به طور مداوم افزایش یافت. افزایش بهای نخ، در پی قطع ورود انواع نخ از خارج و کاهش میزان تولید داخلی صورت گرفت اوایل سال جاری با کاهش قیمت نفت و درآمد ارزی دولت بر آن شد که خرید برخی از کالاها از جمله انواع نخ را متوقف سازد. به دنبال این اقدام، قیمت انواع نخ از کیلویی ۸۰ تومان که از طریق تعاونی کتیاف و صنایع در میان اعضای آن توزیع می شد، در بازار آزاد به کیلویی ۱۸۰ الی ۱۹۰ تومان رسید. افزایش قیمت انواع نخ بسیاری از بافندگان را ورشکسته ساخته و کارگاه‌های آنان را به تعطیلی کشانده است. بر زمینه بالا رفتن قیمت انواع نخ در بازار آزاد، دولت نیز تصمیم گرفت، نرخ نخ توزیعی از طریق تعاونی را ۵۰ تومان بالا ببرد. بازتاب خبر تصمیم دولت مبنی بر افزایش مجدد قیمت نخ در میان اعضای صنف کتیاف، ناراضیاتی آنان را نسبت به رژیم بیش از پیش تشدید کرد. آنها برای ابراز مخالفت و انزجار خود علیه توطئه جدید دولت تصمیم به ایستادگی و مقاومت گرفتند.

به همین سبب روز چهارشنبه ۲۱ آبان ماه، بافندگان صنف کتیاف تهران بنا به تصمیم قبلی در محل استقرار کمیته نظارت بر توزیع و پخش نخ - در نزدیکی میدان ولی عصر - اجتماع کردند. پاسداران سپاه و کمیته پیش از آن که همه بافندگان در محل حاضر شوند، منطقه را به محاصره درآورده بودند. اقدام آنها در پراکنده ساختن اجتماع کنندگان، کشاکش‌هایی پدید آورد. پاسداران پس از مدتی و تنها به زور اسلحه توانستند بافندگان را از محل دور ساخته و متفرق نمایند. حرکت اعتراضی جمعی کتیاف‌ها پیروزی نسبی در برداشت. به دنبال آن هر کیلو نخ ۱۰۰ ریال بیشتر از پیش (به جای ۵۰۰ ریالی که مسئولین در ابتدا قصد کرده بودند) به کتیاف‌ها تحویل داده شد.

اعتراضات وانت داران در شیراز ادامه دارد

در روز ۱۵ آبان شیراز بار دیگر شاهد حرکت اعتراضی وانت داران "پلاک سفید" بود. این حرکت اعتراضی در پی قطعه مجید سمیه بنزین وانت بسارهای پلاک سفید صورت گرفت. مادر شماره‌های قبلی نشریه "اکثریت" گزارش تقاضای رانندگان وانت بارهای پلاک سفید را در اغلب شهرهای کشور و از جمله شیراز در روزهای ۱۱ و ۱۲ مهرماه علیه تصمیم دولت مبنی بر کاهش سمیه بنزین وانت‌های پلاک سفید بازتاب داده بودیم. تقاضاهای مفته اول مهرماه، دولت را وادار به افزایش سمیه بنزین این گونه وانت‌ها به میزان ۳۰۰ لیتر ساخت. اما اول آبان ماه، دولت علیرغم اطلاعیه‌های رسمی خود بار دیگر از اعلام و تحویل سمیه بنزین وانت داران مطابق قرار قبلی خودداری کرد و همین امر موجب حرکت اعتراضی مجدد وانت داران گردید. آنان که خودروهایشان بدون سوخت مانده و خود بیچاره شده بودند، برای اعتراض به اقدام دولت بار دیگر در فلکه شهرداری شیراز اجتماع کردند و قاطعانه خواستار دریافت سمیه خود گردیدند.

مسئولین شیراز در هراس از تکرار تقاضات مهرماه ناچار گردیدند به آنان قول مساعد بدهند و تنها پس از آن بود که رانندگان معترض، پراکنده شدند.

لشکر کشی سپاه بر ای تصرف یک قطعه زمین

در شهریور ماه، در زیر آب مازندران بین مردم محل و سپاه منطقه بر سر تصرف قطعه زمینی واقع در کنار رودخانه طالار درگیری رخ داد. این قطعه زمین که ۲۰ هکتار وسعت دارد متعلق به عده‌ای از اهالی زیر آب بوده است. اما مدتی قبل اداره آبیاری مدعی شد و اقدام به تصرف آن نمود. ولی مردم از پانفستنه و در برابر اداره آبیاری مقاومت نشان دادند. اخیرا سپاه پاسداران مدعی این قطعه زمین گردید و با اشغال آن کار بنای

تاسیساتی برای ارکان خود را روی آن آغاز نمود. سپاه تلاش کرد اعتراضات مردم را نادیده بگیرد اما نتوانست یکی از اهالی را که در این قطعه زمین سرپناهی بنا کرده بود از محل بیرون نماید. این فرد زحمتکش با اتکا بر پشتیبانی مردم با مقاومت در برابر سپاه به سکونت در خانه اش ادامه داد. سپاه برای درهم شکستن مقاومت وی و بازداشتن اهالی زیر آب در پشتیبانی از او در شهریور ماه واحدی از نیروهای خود را که شامل ۷۰ تن از اعضای بسیج می شدند، به محل اعزام کرد. آنها برای آغاز عملیات نخست راه زیر آب - تهران (جاده فیروزکوه) را مسدود ساختند با چنین نیرویی و با این اقدامات سپاه توانست خانه مزبور را خراب نماید.

بفش‌هایی از دو نامه

بمباران

"... اهل کرمانشاه هستیم. غرض از نوشتن نامه این است که شما را در جریان بمباران های اخیر شهرمان بگذارم. در روز یکشنبه دوم آذرماه در ساعت ۱۱ و ۲۰ دقیقه به وقت اینجا حدود ۲۰ فروند هواپیمای عراقی چند منطقه مسکونی، شرکت نفت و نیز پادگان صالح آباد را مورد بمباران وحشیانه قرار دادند. یکی از مناطق مسکونی که هدف قرار گرفت "آرشا شهر" بود. بیش از ۱۰۰ تن در همان لحظات اول بمباران کشته شدند. منطقه مسکونی "آبادانی و مسکن" نیز بمباران شد. این بمباران یکی از وحشتناکترین بمباران عراقی‌ها در این شهر بوده است. خیابان سراب قبل از این مناطق و در ساعت ۵ و ۲۰ دقیقه بمباران شده بود. بسیاری می گفتند عراق در بمباران این منطقه از بمب خوشه‌ای استفاده کرده است. دهها تن زخمی و کشته شده بودند. عراق اعلام کرد بمباران خوشه‌ای کرمانشاه جواب موشکی است که ایران به سوی بغداد شلیک کرده بود..."

شکار جوانان

"... توی خیابان نسبتا خلوتی یک ماشین گشت کمیته جلوی ام سبز شد. پاسدار بغل دستی راننده، رو به من بادست اشاره کرد که بیا بالا. تا آدم اعتراض کنم سومی تفنگش را به پشتم فشار داد و گفت زود باش معطل نکن برو بالا! چاره‌ای نبود سوار شدم. عقب ماشین ۵ - ۶ نفر به ردیف روبروی هم نشسته بودند. قبل از من دستگیرشان کرده بودند. پرسیدم برای چی ما را دستگیر می کنند. گفتند دنبال فراری های جیبه هستند. به شیشه حایل میان ما و پاسداران زدیم و گفتم "برادرها" من هنوز مشمول نیستم، اینهم کارت شناسایی من. یکی از پاسدارها جواب داد خفه شو! با همان وضع ما را بردند به کمیته. داخل کمیته مملو از جوانانی هم سن و سال من بود. بیشتر از ۱۵۰ نفر می شدند، معلوم بود روز شکار بوده است. به هر جوانی که رسیده بودند بی چون و چرا دستگیرش کرده بودند. ... فردا صبح پدرم خیر شد و خودش را به کمیته رساند. با تقلای فراوان متقاعدشان کرد که آزاد کنند. حال مادرم را پرسیدم. گفت دیشب مادرت غش کرد و افتاد و ما بردیمش به بیمارستان..."

با جمع آوری کمک مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی یاری دهید!

کمک‌های مالی رسیده

۲۰۰۰ ریال	لااله از فرانسه
۵۰۰ فرانک	هواداران حزب توده ایران از گرونوبل - فرانسه
۵۴ مارک	کیمیا از کلن - آلمان فدرال
۲۰۰ مارک	صبا از کلن - آلمان فدرال
۵۵۰ مارک	درآمد انبدا شده از جشنی در الدنبروک - آلمان فدرال
۵۰۰۰ ریال	م - بیدار از آلمان فدرال

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی!

پیرایه بر حقایق واژگون راه کارگر در کدام راه؟

بخش دوم

در راه تحکیم هژمونی بورژوازی

"راه کارگر" در ضمیمه نشریه شماره ۲۹ خود، در ادامه تجسّات فاضل مابانه برای یافتن انگیزه‌ها و اهداف واقعی مصوبات پلنوم وسیع فروردین ۶۵ سازمان مابنه این سؤال رسیده است که چرا سازمان به یکباره "گر و مک‌ها" سیاست‌ساخته و ساواک پرداخته "را به سازمان‌های مارکسیست - لنینیست"، "نیروهای جنبش کمونیستی ایران" و "مبارزان راه و آرمان طبقه کارگر" تبدیل کرده و خواهان اتحاد عمل و همکاری و تأمین وحدت فکری و سیاسی با آنان در جهت دستیابی به حزب واحد طبقه کارگر ایران شده است؟ سپس برای پرده برداشتن از این "راز" سراغ اسناد پلنوم می‌رود و این فکر را رد می‌کند که مبارزه سازمان در راه تأمین اتحاد عمل و تأمین وحدت میان سازمان‌های مارکسیست - لنینیست ایران در حزب واحد طبقه کارگر مبارزه‌ای است در راه تأمین هژمونی طبقه کارگر در انقلاب ملی و دمکراتیک ایران. "راه کارگر" طی چهار صفحه توضیحات مفصل سرانجام نتیجه می‌گیرد که سازمان ضرورت تأمین رهبری طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک را قبول ندارد و دعوت سازمان از گروه‌های چپ برای اتحاد عمل و همکاری در راه اهداف مشترک و حزب واحد طبقه کارگر بخاطر "کسب مشروعیت و اعتبار" بوده است.

هر آنچه را که در این "بحر طویل" آمده است یک به یک بررسی کنیم.

نخست آنکه ما هیچ، نه معتقد بوده و نه گفته‌ایم که راه کارگر یک "گر و مک" سیاست‌ساخته و ساواک پرداخته است. این ادعای "راه کارگر" در یک کلام دروغ محض است و هم چون اتهامات بی‌شمارانه دیگری است که بدون کوچکترین انگیزه سالم به تقلید از روش رهبری مجاهدین خلق در برخورد با سایر نیروهای سیاسی بکار می‌گیرند.

ثانیاً "راه کارگر" مدعی شده که سازمان ضرورت تأمین رهبری طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک را نفی می‌کند و او می‌پذیرد. ببینیم این ادعا تا چه حد واقعی است و چه کسی واقعا و در عمل این ضرورت را می‌پذیرد و در راه آن بیکار می‌کند.

نخست باید دید درک ضرورت تأمین رهبری طبقه کارگر عزم ما را در شرایط کنونی در راستای پاسخگویی به کدام وظایف مبرم جزم می‌کند؟ آیا پایبندی ما به ضرورت تأمین رهبری طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک صرفاً با تکرار این اصل مسلم می‌شود یا درک این ضرورت واقعا وظایف عاجل و راه معینی را برای پیسودن فرا روی ما قرار می‌دهد؟ راه کارگر و ایضا تمام گروه‌های مشابه به این بسنده می‌کنند که این اصل را مدام تکرار و در صفحات نشریات خود جار بزنند. در حالیکه برای تأمین آن باید دید رهبری طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک

چگونه تأمین می‌شود و مبارزه در راه آن چه وظایف مشخصی را امروز فرا روی ما قرار می‌دهد و اساسا این رهبری در انقلاب در اثر پیشرفت و گسترش کدام پروسه‌های واقعی می‌تواند عملی شود.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هم به استناد تجربه دهها انقلاب ملی و دمکراتیک که در کشورهای مختلف در عصر کنونی به پیروزی رسیده یا به شکست کشانیده شده‌اند و هم بر اساس نقد و بررسی برنامه و خطا مشی گذشته خود، مطابق آموزش‌های لنینیسم نه تنها بر اصل تأمین رهبری طبقه کارگر در انقلاب ملی و دمکراتیک مردم ایران تأکید می‌کند، بلکه وظایف عاجل و راه مشخصی را هم برای تحقق این ایده آل بزرگ در مقابل سازمان قرار داده است.

در طرح استراتژی و تاکتیک که در کار شماره ۲۰ انتشار یافت، آمده است:

"سازمان ما با تمام قوا در راه تأمین رهبری طبقه کارگر در انقلاب ملی و دمکراتیک ایران به مقابله اساسی‌ترین و وظیفه استراتژیک خود مبارزه می‌کند. تأمین سرکردگی مستلزم آن است که طبقه کارگر متحد شود، بورژوازی لیبرال را منفرد و ناپیچک‌تری سایر نیروهای بورژوازی را خنثی سازد و بتواند توده دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی را بسوی خود جلب کند."

اما طرح تنها به یک تأکید خشک و خالی بسنده نکرده است و وظایف عاجلی را که تحقق رهبری طبقه کارگر در گروهی انجام آن‌هاست، بشرح زیر برمی‌شمارد:

"مبارزه در راه بسیج طبقه کارگر و دیگر اقشار خلق تحت رهبری پیشاهنگ طبقه کارگر، مبارزه در راه وحدت همه پیروان سوسیالیسم علمی در حزب واحد طبقه کارگر، مبارزه در راه تأمین اتحاد همه نیروهای مترقی، دمکراتیک و انقلابی در یک جبهه واحد و به منظور سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت انقلابی خلق"

امروز قطع نظر از داوری این و آن، تأمین سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب با پاسخ‌هایی که به این وظایف داده می‌شود مستقیم و غیر مستقیم گره خورده است. این پاسخ‌ها معیار سنجش صداقت و عمق درک کسانی است که بر ضرورت تأمین رهبری طبقه کارگر تکیه می‌کنند. بر ای فهم بهتر این ارتباط مکث روی هر یک از سه عرصه مبارزه فوق ضروری است.

در پاسخ به اولین وظیفه به نظر نمی‌رسد هیچ مارکسیستی در ارتباط میان "مبارزه در راه سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب" و "مبارزه در راه بسیج طبقه کارگر و دیگر اقشار خلق تحت رهبری پیشاهنگ" تردید کند. اما در عمل میزان موفقیت جریان‌های مختلف مارکسیست در این راستا یکسان نبوده و نیست. امکانات جریان‌های مارکسیستی کشور ما در این زمینه از یکسو با میزان و کیفیت پیوند آنها با طبقه کارگر و صحت خدمت‌های سیاسی و تدبیر و هنر رهبری، سیاسی از سوی دیگر به سطح رشد و آگاهی توده و نیز به امکانات عینی سیاسی - اجتماعی - تاریخی

نمایندگان سایر طبقات اجتماعی در کشور و نیز در عرصه بین‌المللی مربوط می‌شود.

مآییده آلیست نیستیم و فکر هم نمی‌کنیم به صرف افکار رمانتیک و اراده این یا آن جریان سیاسی چپ بتوان به تمام مسائل جنبش پاسخ گفت. اما اجازه بدهید واقع بینانه انتظار داشته باشیم کسانی که خود رایگانه ناجی بی‌بدیل طبقه کارگر می‌شمارند و دیگران را یکجا خائن به طبقه و توده معرفی می‌کنند، کسانی که فکر می‌کنند اگر بادیگران در راه آماج‌های مشترک کام بردارند "اعتبار و حیثیت" خود را در میان طبقه کارگر و دیگر توده‌های خلق از دست می‌دهند، پس از ۸ سال "مشارکت فعال" در مبارزه آشکار طبقات از حداقل حضور و نفوذ سیاسی در کشور و از حداقل تأثیر عمل بر طبقه و توده برخوردار شده باشند.

علت اینکه "راه کارگر" یک سازمان موثر و فعال سیاسی نیست، قبل از هر چیز باید در سکتاریسم ریشه دار و دکماتیسیم ایس جریسان و بیگانگی آن با زندگی واقعی توده‌های ایران و شناخت عمیق ذهنی او از جامعه ایران جستجو کرد! رد می‌چریکی که پرچم احراز هویت "راه کارگر" شده به پذیرش مشی و پیشش توده‌ای، منجر نشد و کمک نکرد که این سازمان خدمت‌های و سیاست و تاکتیک خود را برای زندگی واقعی و برای مشارکت واقعی در مبارزه طبقات اجتماعی و هدایت مبارزه بطور عینی در حال گسترش توده‌ها و طبقه کارگر تدوین کند.

بدین ترتیب اگر نشانه اعتقاد واقعی به ضرورت تأمین هژمونی طبقه کارگر در انقلاب، از جمله بیکار موثر در راه طبقه کارگر و دیگر اقشار خلق تحت رهبری پیشاهنگ طبقه کارگر است راه کارگر در این راستا کارنامه تاریخی از خود نشان داده است. آنان علیرغم گام‌های مثبتی که در این راستا از آغاز تا امروز برداشته‌اند اما اساسا به علت همان سکتاریسم ریشه دار و دکماتیسیم هنسوزیه هیچ وجه این امید را در میان فعالین جنبش انقلابی ایجاد نکرده‌اند که قادرند به مثابه یک نیروی مسئول و جدی، "در راه بسیج طبقه کارگر و دیگر اقشار خلق تحت رهبری خود" از حداقل موفقیت برخوردار شوند.

معیار دیگر مارکسیسم در سنجش عمق درک کسانی که تأمین هژمونی طبقه کارگر را ضروری می‌دانند شیوه برخورد آنها با مساله وحدت جنبش کارگری و کمونیستی ایران است. چرا که کسی هم‌راه واقعا این ضرورت را درک کرده باشد نمی‌تواند رزمنده راه وحدت همه پیروان سوسیالیسم علمی در حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر ایران نباشد. راه کارگر رسا و عملا خدمت‌های افشا و انفراد و در هم شکستن و برانداختن همه جریان‌ها، پیرو سوسیالیسم علمی در ایران - بجز راه کارگر - را دنبال می‌کند. هیچ جریان شناخته شده‌ای در ایران وجود ندارد که "راه کارگر" بجز انتقاد، بجز دشنام، بجز افشاکری، و رابطه دیگری با وی برقرار کرده باشد. "راه کارگر" سنگ هژمونی را بر سینه می‌زند، اما نه تنها در راه وحدت کام بر نمی‌دارد، نه تنها رابطه وحدت و هژمونی را تاکنون درک نکرده است، بلکه می‌نویسد و نشان می‌دهد که:

"بطور خلاصه باید گفت اندکی واقع بینانی و آشنایی با وضعیت چپ ایران کافی است تا بتوان با بقیه در صلحه بعد

پیرایه برحقایق

بقیه از صفحه قبل

اطمینان گفت که کم‌دآوری چپ ایران یا اکثریت آن در زیر یک سقف و حول برنامه واحد نه تنها امری ناممکن بلکه نادرست نیز هست" (۱)

پرسیدنی است با این همه امید و اعتماد به کسانی که در راه تامین سرکردگی طبقه کارگر می‌رزمند چگونه می‌توان در راه سرکردگی طبقه کارگر و با اساس راه طبقه کارگر رزمید؟ اعتقاد به اینکه وحدت کمونیست‌ها در زیر یک سقف حول برنامه و اساسنامه واحد نه تنها امری ممکن بلکه امری عمیقاً ضروری است جزئی است لاینفک از اعتقاد عمیق به اینکه تامین رهبری طبقه کارگر در انقلاب نه تنها ممکن بلکه عمیقاً ضروری است.

بین مبارزه در راه هژمونی و مبارزه در راه وحدت، بین اعتقاد به امکان پذیر بودن هژمونی طبقه کارگر و اعتقاد به امکان پذیر بودن وحدت مدافعان آرمان طبقه کارگر - سوسیالیسم علمی - پیوند و رابطه ای تنگاتنگ وجود دارد. این دروغ محض است که کسی هیچ امید و اطمینانی به گرد آوردن چپ ایران یا اکثریت آن زیر یک سقف و "حول برنامه و اساسنامه واحد" نداشته باشد در عین حال به امکان پذیری گرد آمدن خود طبقه کارگر زیر یک سقف و تحت رهبری واحد و به امکان پذیری کشیده شدن خرد به یورژوازی و دهقانان به دنبال طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک امید و اطمینان داشته باشد. به کسانی که اینطور با مساله هژمونی و وحدت برخورد می‌کنند باید گفت رفقای عزیز: اعتقاد شما به "ممکن و ضرور" بودن هژمونی یک "قسم حضرت عباس" واقعی و اطمینان شما به عدم امکان "گرد آمدن چپ ایران یا اکثریت آن زیر یک سقف" یک "دم خروس" واقعی است. این فکر شما که خیال می‌کنید طبقه کارگر می‌تواند متحد شود (در جبهه کارگری) درحالیکه اکثریت چپ ایران در غرقاب اختلافات بی‌پایان غوطه‌ور است - بر بدتر از آن غوطه‌ور باشد - غیر واقعی و کاملاً ذهنی است. آری در این صورت طبقه کارگر ممکن است متحد شود اما فقط در سندیکا و اتحادیه و تحت رهبری نیروهای غیر کارگری! آری در این صورت صحبت کردن از اینکه طبقه کارگر سایر اقشار و طبقات خلق را بدنبال خود می‌کشد فاقد هر گونه محتوای عینی و واقعی خواهد بود. ما از "راه کارگر" دعوت می‌کنیم و برای آنان ضروری می‌دانیم که یک بار دیگر تمام اندیشه و تجربه خود در زمینه راه دستیابی به هژمونی طبقه کارگر و رابطه آن با وحدت پیشاهنگ طبقه کارگر را مورد بررسی قرار دهند.

... و بالاخره باید دید "مبارزه در راه تامین سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب ایران" با "مبارزه در راه تامین اتحاد همه نیروهای مترقی، دمکراتیک و انقلابی در یک جبهه واحد" چگونه مربوط می‌شود و چرا و تحت چه شرایطی جبهه در خدمت هژمونی و قدرت است.

"راه کارگر" در تمام مقالات خود و از جمله در "تدبیر در فتنه و واژگون" اش که در "راه کارگر" شماره ۲۹ منتشر شد از اسناد منتشره از سوی سازمان در زمینه مساله جبهه نتیجه می‌گیرد که نظریه پیشنهاد و مهارزه ما در راه اتحاد همه نیروهای مترقی در یک

جبهه واحد نافی مبارزه در راه تامین هژمونی پرولتاریا در انقلاب است. "راه کارگر" در اثبات نظر خود می‌گوید:

"کافی است به قسمتی از گزارش هیات سیاسی اکثریت به پلنوم وسیع رجوع کنیم که در آن از دیگر نیروهای جنبش کمونیستی ایران انتقاد می‌شود که آنها پذیرش رهبری خود را شرط تشکیل جبهه و یا اتحاد با نیروهای ترقی‌خواه کشور قرار می‌دهند. تاجایی که به سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) مربوط می‌شود، ما هرگز رهبری خود را شرط قرار نداده ایم" (۱۰)

و چند سطر بعد نتیجه می‌گیرد:

"جبهه‌ای که در آن هیچ نیرویی بر نیروهای دیگر هژمونی نداشته باشد تصورناپذیر است و آن نیرویی که پیشاپیش از هژمونی خود چشم‌پوشد جز پذیرش هژمونی نیروی دیگر راهی نخواهد داشت. کسی که خواهان هژمونی خود نباشد و هژمونی هیچ‌کس دیگری را هم هیچگاه نپذیرد یا کسی است که نباید در هیچ جبهه‌ای وارد شود. یا دروغ‌گویی است که می‌خواهد ذهن طبقه کارگر را نسبت به سایر طبقات متوهم سازد... و این شیء دوم شامل حزب توده و اکثریت است" (۱۱)

اما راستی شیء چندم شامل "راه کارگر" است؟ شما که بدرستی "هرگز رهبری خود را شرط قرار نداده‌اید" آیا نیرویی هستید که هرگز در هیچ جبهه‌ای وارد نخواهید شد؟ یا دروغ‌گویی که... برخلاف آنچه ظاهراً به نظر می‌رسد در موضع درک شانسیست به مساله هژمونی و جبهه کوچکترین ابهامی وجود ندارد. شما صادقانه و صریح می‌گویید که هرگز رهبری خود را شرط ورود به جبهه یا هر نوع اتحادی قرار نخواهید داد. نه به این دلیل که فکر می‌کنید اتحاد بر سر آماج‌های مشترک لزوماً به معنای دنباله‌روی و تبعیت یکی از دیگری نیست. درست برعکس به این دلیل که هر نوع اتحاد - و یا به زبان دیگر سازش و ائتلافی را متضمن دنباله‌روی یکی از دیگری می‌شناسید و از آنجا که خوب می‌دانید با وضعیت و مواضعی که دارید قادر نیستید هیچ یک از نیروهای دیگر را به زیر رهبری خود بکشانید در عمل هر نوع اتحادی را نه "در جهت رهبری، پرولتاریا" (۱۲) بلکه در خلاف جهت آن می‌انکارید و مصرانه از آن استنکاف می‌کنید.

اما ویژگی سازمان کارگران انقلابی ایران آنست که در تئوری، در تجربیات و هر جا که مساله بطور کلی مطرح می‌شود، بویژه هنگامی که با نیروهای برخورد می‌کند که می‌کشند خود را درست چپ "راه کارگر" قرار دهند، مواضع و درک مثبت‌تری را ارائه می‌دهد. (و به همین دلیل از سوی آنان زیر سخت‌ترین حملات قرار می‌گیرد و اکثریتی و توده‌ای نامیده می‌شود) به متن زیر توجه کنید:

"رفقای که ائتلاف با مجاهدین (یا هر نیروی دیگر) را موکول به پذیرش برنامه "پیروزی قطعی انقلاب"، "دمکراسی پرولتاری"، "برنامه حداقل پرولتاریا" و موکول به قدرت "تحویل یک برنامه انقلابی" می‌کنند، در حقیقت ائتلاف را محصول هژمونی و قدرت می‌پندارند. حال آنکه هژمونی و قدرت محصول ائتلاف و سازش است - آن‌هم نه یک ائتلاف و سازش، و نه فقل با یک سازمان سیاسی - بلکه انبوهی از سازش‌ها و ائتلاف‌ها با نیروهای گوناگون در سطوح مختلف و وضعیت‌های متفاوت اگر جز این

باشد تبدیل شدن یک نیروی ضعیف به یک قدرت هژمونیک عملاً ناممکن خواهد بود. اما از اینجا نیز نباید مثل "چپ‌ها"، بوزوا مسلک و انحلال طلب درون شورای ملی مقاومت نتیجه گرفت که گویا ضعف توجیه‌کننده هر گونه سازش و ائتلافی است و یا اینکه از طریق هر سازشی می‌توان به نیروی هژمونیک تبدیل شد... هیچ تردیدی نیست که ما برای هژمونی و قدرت است که سازش و ائتلاف می‌کنیم ولی این تصور بسیار نابخردانه است که تصور کنیم هرگز بدون هژمونی نباید تن به سازش داد. البته همه این حقایق را اغلب در مقام تئوری قبول داریم ولی بی‌لن این سفید چپ انقلابی ایران چیزی از این قبول داشتن را نشان نمی‌دهد" (۱۳)

قضاوت‌ها کاملاً منصفانه و سالم است و ما حاضریم همه این آموزش‌ها را به عنوان نقطه‌نظرهای اصولی تبلیغ و ترویج کنیم. به علاوه ما همواره آماده‌ایم تا هر آن چه که برای پرکردن این "بی‌لن سفید" و تحقق چیزی بیشتر از قبول داشتن "در مقام تئوری" از ما ساخته است را به انجام رسانیم و به عنوان اولین گام تاکید می‌کنیم که در این میان گناه راه کارگر بیش از "چپ‌هایی است که آن‌ها را مورد خطاب و انتقاد قرار داده است. زیرا آنان "نمی‌دانند و نمی‌دانند که نمی‌دانند" اما راه کارگر می‌داند و عمل نمی‌کند و از آن‌ها بدتر وقتی به کسانی می‌رسد که هم می‌دانند و هم عمل می‌کنند در تئوری، هم بسیاری از حرف‌های صحیح خود را پس می‌گیرند و در موضعی قرار می‌گیرند که دیروز بکلی روی آن خط کشیده بود. چیزی که دست کم نشانی از تزلزل و بی‌پرنسیبی است. (جالب اینست که راه کارگر نه فقط در مساله هژمونی و اتحادهای طبقاتی، بلکه در تمام مسائل مهم جهانی، منطقه‌ای و نیز در عمده‌ترین مسائل مربوط به انقلاب وقتی که با اقلیت و کومله و امثالهم مواجه می‌شود مواضع آن‌ها را به نقد کشیده و به مواضع اصولی نزدیک می‌شود ولی وقتی با همین مواضع اصولی روبرو می‌شود با تقابله با آن‌ها پرداخته و رسماً و موکداً در همان مواضعی می‌ایستد که در جای دیگر علیه آنها قلم‌فرسایی کرده است بگونه‌ای که خواننده ناآشنا به سبب اصلانی‌تواند تشخیص بدهد که سخن راه کارگر خطاب به اقلیت و سخن راه کارگر خطاب به اکثریت هر دو مواضعی است متعلق به یک سازمان واحد و منسجم.)

بدین ترتیب باید گفت که اتحادهای (ائتلاف‌ها و سازش‌های) طبقاتی و سیاسی و از جمله ائتلاف در یک جبهه وسیع متشکل از همه نیروهای مترقی کشور نه تنها لزوماً نافی امکان و اعتقاد به تامین هژمونی پرولتاریا در انقلاب نیست، بلکه همانطور که مورد اذعان "راه کارگر" نیز هست زمانی که طبقه کارگر برای پیشبرد اهداف خود هنوز به قدر کافی متشکل و نیرومند نشده است، نه تنها از طریق اتحادها، طبقاتی و سیاسی است که می‌تواند و باید در راه تحقق اهداف طبقاتی خود کاملاً برآید، بلکه این اتحادها عملاً می‌تواند شرایط مساعدتری، برای تحقق آن اهداف و تامین شرایط ضرور دست‌یابی طبقه کارگر به رهبری، انقلاب فراهم سازد.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) تاکید کرده و می‌کند که در شرایط ویژه‌ای که برای جنبش انقلابی ایران فراهم آمده است کوشش پیشاهنگ طبقه کارگر "در راه اتحاد همه نیروهای دمکراتیک و

مترقی کشور در یک جبهه واحد و به منظور سرنگونی رژیم و استقرار حاکمیت انقلابی خلق" سیاستی است لزوماً در جهت تأمین رهبری طبقه کارگر در انقلاب، مشروط بر این که شرکت در جبهه به هیچ وجه به هزیمت مستقل سیاسی، ایدئولوژیک و سازمانی پیشاهنگ طبقه کارگر لطمه نزنند. حفظ اکید استقلال طبقه کارگر و پیشاهنگ وی در صحنه عرصه‌های مبارزه طبقاتی یگانگی شرط ضروری علمی و اصولی برای اتحاد با نیروهای غیرپرولتری، خلق در راه تحقق اهداف مشترک و تأمین هژمونی پرولتاریا بشمار می‌رود.

با اطمینان تکرار می‌کنیم: اتحادهای سیاسی و طبقاتی "اهرم‌های کسب قدرت و هژمونی" هستند، مشروط بر این که ما واقعاً قادر باشیم استقلال سیاست، تئوری، تشکیلات و همه شئون زندگی سازمان را تا به آخر حفظ کنیم. راه کارگر نشان می‌دهد که قادر به درک این دیالکتیک نیست. نسبت به خود بی‌اعتماد است، از اتحادهای سیاسی و طبقاتی واهمه دارد و از آن گریزان است. باین ترتیب راه کارگر در راه انفراد طبقه کارگر در جنبش انقلابی خلق عمل می‌کند. او در حالیکه پیرامون هژمونی طبقه کارگر می‌گردد می‌کند علیه هژمونی طبقه کارگر در جنبش انقلابی خلق راه می‌سیار.

هراسان از تسخیر آینده

۱. اولین در سخنرانی در کنفرانس هشتم حزب کمونیست روسیه (بلشویک) یادآور گردید:
"من تنها از دیدگاه آنچه که فردا و پس فردا برای سیاست‌مان ضروری است به گذشته نگاه می‌کردم" (۱۴).

این یک مشخصه اصلی کمونیست‌هاست که از سکوی آینده به گذشته نگاه می‌کنند. اما نگاه راه کارگر به سندی که پلنوم وسیع ما درباره سیاست و برنامه سازمان در سال‌های ۶۱-۵۷ به تصویب رساند در نقطه مقابل نگرش لنینی قرار دارد. "راه کارگر" گذشته را برای تداوم بخشیدن به نقطه ضعف‌ها، دامن زدن به تفرقه و پراکندگی در جبهه نیروهای دمکراتیک و انقلابی، برای تثبیت شکست و ناکامی جنبش انقلابی خلق کند و کوا می‌کند.

قبل از پدید آمدن این نگرش و کواوتدکر این نکته ضروری است که نحوه برخورد مقاله ضمیمه نشریه شماره ۲۹ با این سند پلنوم وسیع فروردین ۶۵ در مقایسه با برخورد آن با مصوبات پلنوم مهر ۶۲ به نحو محسوسی متفاوت به نظر می‌رسد. با این که پلنوم مهر ۶۲ فقط به تشریح برخی جمع‌بندی‌ها پیرامون روند انقلاب و ماهیت حاکمیت پرداخته بود و پیرامون سیاست سازمان در این دوره اساساً اظهار نظر نکرده بود نویسنده راه کارگر ارزیابی‌های آرایه شده از حاکمیت را "یک گام به پیش" که می‌باید تکمیل شود نامیده بود. اما اکنون که بحث‌ها در سازمان بسیار پیش‌تر رفته است نویسنده مقاله مذکور به وضوح سراسیمه و با ناراحتی و نگرانی سازمان را زیر دشنام‌ها و شلیک سنگین مهملات قرار داده است. برای خواننده عادی، این نشریه این سوال مطرح می‌شود که آن استقبال‌ها از کدام افکار و این دشنام‌ها از کدام گرایشات برخاسته و اهداف هر یک چه بوده است؟ به علاوه روح حاکم در نوشته، میزان تعهد نویسنده به حقیقت و خرد و میزان پیوند قلم وی با

نیازهای واقعی جنبش به‌طور محسوس از سطح رشد فکری و سطح متوسط و عمومی تعهد نویسندگان این نشریه به مردم و به حقیقت نازل‌تر است. مقاله برای کوبیدن سازمان واقعاً گام به سطح یک تنگ‌نظری کینه‌توزانه که از تحکیم موقعیت سازمان در مواضع اصولی و صحیح، از جبران ضعف‌ها و انحرافات آن، از ثبات و وحدت درونی آن تکران و بیمناک است سقوط می‌کند. قلمی که ۱۱ صفحه را علیه سازمان سیاه کرده است، اگر مهم‌ترین وظیفه خود را "توسعه جنبش انقلابی در کشور خویش" قرار داده بود آیا بازم می‌توانست چشمانش به روی بسیاری از احکام و مواضعی که در پلنوم راهنمای عمل سازمان قرار گرفته و راه کارگر نیز هم اکنون از آن‌ها سرخشانه دفاع می‌کند بسته بماند، آیا بازم می‌توانست از این که سازمان متعهدانه می‌کوشد گذشته خود را بازنگری کند، کز و راست خود را بشناسد و آنرا از راه آینده سازد این چنین بیمناک گردد و آسمان و ریسمان را به هم ببافد تا از آن میان "دست مسکو" را کشف یا از آن توطئه "شرکت در اعتبار جهانگیر و دزدیدن آوازه توده‌گیر، کارگران انقلابی ایران" و کذا را نتیجه بگیرد. بگذریم و ایرادات راه کارگر به سند پلنوم وسیع فروردین درباره سیاست و برنامه سازمان در سال‌های ۶۱-۵۷ را یک به یک بشکافیم؛
براستی که "تدبیر در قایق واژگون" راه کارگر، تدبیر حقایق واژگون است.

پلنوم وسیع در انتقاد از خود می‌گوید:

"طی سال‌های ۶۰ و ۶۱ مناسبات سازمان با سازمان‌های انقلابی و ترقیخواه مخالف رژیم به‌طور عمده زیر تأثیر پشتیبانی ما از حکومت و سکتاریسم این نیروها تیره گردید... تضاد شدید سیاست ما و سازمان مجاهدین خلق و رشد کوشش بورژوازی در سیاست و برنامه سازمان مجاهدین، منجر به تخریب مناسبات دوطرفه توسط ما و آن‌ها شد. ما علی‌رغم سیاست اتحاد و انتقاد را در قبال سازمان مجاهدین خلق کنار گذاشتیم.

در مناسبات ما با سازمان‌های چپ و حزب دمکرات کردستان ایران نیز تیرگی‌های جدی پدید آمد. انتقاد بر سیاست و مشی این سازمان‌ها به شکل یک جانبه و غیرسیاننده صورت می‌گرفت و تأکید بر وجود اختلاف و تضاد ما با این سازمان‌ها و مرزبندی با آنان به وجه برجسته در مناسبات ما با این سازمان‌ها تبدیل شد."

اما راه کارگر ایراد می‌گیرد "پلنوم وسیع، مسئولیت این تیرگی جدی در مناسبات و "کنار گذاشتن سیاست اتحاد و انتقاد" را سرکن می‌کند، گناه را تقسیم می‌کند تا با لایبکاری از دیگران، عبار "اعتبار و افتخارات" خود را افزایش دهد!

راه کارگر مهمل می‌بافد که: "این تظاهر به "انتقاد از خود" ژست و مانوری است فرصت طلبانه... او خنجر چوبین تمهت و افترا را بر پیکر سازمان می‌نماید... تیرگی‌های جدی در مناسبات و کنار گذاشتن سیاست اتحاد و انتقاد" را "آدم فروشی و جاسوسی برای دستگاه‌های سرکوب علیه سازمان‌های انقلابی و ترقیخواه و نیز تبریک و نهیبت گفتن به رژیم بخاطر موفقیت در سرکوب آنها" تفسیر می‌کند!
به تاریخ می‌توان دروغ گفت اما تاریخ دروغ نمی‌گوید. در اسفند ماه سال ۱۳۶۰، نشریه کار، ارکان سراسری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، بخاطر آن که اعدام مجاهدین

توسط رژیم و نادمین مجاهد را جنایت و محکوم می‌شناخت توقیف گردید و سردبیر آن، رفیق محمدرضا غبرایی، عضو مشاور هیات سیاسی کمیته مرکزی به همین به‌صنخ جرم بازداشت و در شکنجه‌های اوین به صلابه کشیده شد و پس از سه سال و نیم شکنجه توسط دژخیمان رژیم تیرباران گردید.

"راه کارگر" خوب می‌داند که کدامیک از کادرهای او در بدترین شرایط و روزهای سال‌های ۶۰ و ۶۱ با کدام یک از رفقاء، ما ارتباط داشته، کمک گرفته و نجات داده شده‌اند، اما بازم می‌کوشد بر جنایات رژیم پیره ستر بشکند و با پیش‌روی به گردن فدائیان بیاندازد.

نویسنده راه کارگر نه دستدار و نه خواهان حقیقت است. او قلم را برای پوشاندن حقایق می‌گرداند. منطق حقیقت‌گریز و وحدت‌ستیز راه کارگر انتقاد از خود سازمان را بهانه می‌کند تا میان نیروهایی که باید در راه سرنگونی جمهوری اسلامی دست‌های یکدیگر را بفشارند آتش‌نثار و خصومت شعله‌ور نگاه داشته شود!

فدایی‌ستیزی، راه کارگر او را به مهمل‌بافی مضحکه‌باری کشانده است.

پلنوم وسیع فروردین می‌گوید:

"جریان مارکسیستی - لنینیستی فدائیان خلق ایران" در پایان دهه ۴۰، در شرایطی که جنبش کمونیستی ایران از تداوم بحران همه‌جانبه‌ای، رنج می‌برد تشکیل شد و با هدف تحقق آرمان طبقه کارگر، مبارزه مسلحانه برای سرنگونی رژیم وابسته شاه را آغاز کرد"

اما راه کارگر با مطنراق شرح یک کشف بزرگ، نزدیک به نیمی از یک صفحه نشریه خود را با این عبارات پرمی‌کند که:

"... واقعا چشم‌بندی است... چه کسی نمی‌داند که آنچه در پایان دهه ۴۰ تشکیل شد نه "سازمان فدائیان خلق ایران"، بلکه سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران بود؟ چه کسی نمی‌داند که سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (اکثریت) در خرداد سال ۵۹ در نتیجه انشعاب در سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران موجودیت مستقلی یافت و مدت‌ها پس از آن نام خود را به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تغییر داد. و کذا، کذا"

باید اذعان کرد واقعا چشم‌بندی است. آقایان ما چه تقصیری داریم، وقتی که با دقت علمی و با پایبندی به متد تحلیل تاریخی پدیده‌ها، پلنوم وسیع می‌گوید: "جریان مارکسیستی - لنینیستی فدائیان خلق ایران" و شما برمی‌دارید و این عبارت با دقت انتخاب شده را در تمام نوشته خودتان تبدیل می‌کنید به "سازمان فدائیان خلق ایران" و بنام ما به خلق الهه تحویل می‌دهید. ما کجا گفته‌ایم "سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)"! در پایان دهه ۴۰ تشکیل شد که جعل خود را به نام ما جاری‌رئید!

پلنوم فروردین درباره سیاست سازمان از پیروزی قیام تا تصویب قانون اساسی تأکید می‌کند: "سازمان از آنجا که بر این باور نبود که حکومت خمینی می‌تواند خواست‌های اساسی توده‌ها را برآورده سازد. پشتیبان حکومت خمینی نبود، این بقیه در صفحه بعد

پیرایه بر حقایق

بقیه از صفحه قبل

سیاست درست بود. اما سازمان نمی‌بایست در پشتیبانی از اقدامات حکومت جدید در خلعید از سرمایه‌داران بزرگ وابسته و براندازی مواضع سیاسی و نظامی امپریالیسم تردید نشان می‌داد.

راه کارگر همین عبارت سند راه عینة نقل کرده و آثار مورد انتقاد قرار داده این فکر را ترویج کرده است که: "اگر کسی بخواهد از حکومتی حمایت کند از اقدامات آن پشتیبانی می‌کند و گرنه پشتیبانی موضوعیتی ندارد." (۱۵) و نتیجه گرفته است که هرگاه یک جریان از برخی اقدامات حکومت پشتیبانی کند این به معنای آنست که سیاست آن جریان تقویت و حمایت از حکومت به طور کلی است. ما فکر می‌کنیم که نویسنده را تجربه مبارزه طبقات و نمونه‌ها و شواهد واقعی بسیار که در بسیاری از کشورها هر روز شاهد آن هستیم به سوی این نتیجه گیری هاسوق نداده است. او را عرق گروهی، فرقه گرایی مزمین و نیاز و، به مطالب نویسی علیه سازمان بدین سمت سوق داده است.

دهها و صدها و هزاران نمونه وجود دارد که احزاب سیاسی غیر حاکم در حالیکه رسماً در موضعه ایوزیسیون حکومت قرار دارند و بطور کلی با حکومت مخالفند، پشتیبانی خود را از این یا آن اقدام مشخص حکومت اعلام می‌کنند. هم اکنون در هند هیچ یک از احزاب انقلابی هند پشتیبان حکومت کنتره نیستند اما هیچ یک از آنها بلااستثنا در پشتیبانی از اقدامات صلح جویانه و ضد امپریالیستی حکومت لفظه ای هم تردید نمی‌کنند. از این نمونه صدها و هزاران می‌توان شمرد. ما فکر نمی‌کنیم راه کارگر نیز اگر رویش را از سکوی واقعیت به سوی سازمان می‌گرداند باز هم بر چنین اعتقادی تکیه می‌کند. به عنوان مثال راه کارگر در اشاره تلویحی به بنی‌صدر و بنی‌صدریون و امثالهم بدرستی تاکید می‌کند.

"ما بی‌آنکه حتی برای لفظه ای به بهانه "وضعیت" و "واقعیت" و "مصلحت تاکتیکی" و غیره سرسوزنی نسبت به آنان خوش بینی و اعتماد و رزیم لازمست از مبارزه آنان برای سرنگونی رژیم خمینی به نسبتی که این مبارزه مبارزه ای جدی و ناظر بر خواست‌های عمومی و عاجل مردم باشد، به نسبتی که به آزادی، هاء، سیاسی وفادار بوده و برای، تشکیل توده‌ها در پایین مفید باشد حمایت کنیم. بی‌آنکه حمایت از مبارزه آنها به حمایت از آنها و تقویت آنها در برابر طبقه کارگر و زحمتکشان منجر گردد" (۱۶)

مسته اصلی این فکر بسیار صحیح و اصولی است و آن اینکه اشتباهی فاحش خواهد بود هرگاه پشتیبانی از این یا آن عمل بورژوازی که انجام آن "ناظر بر خواست‌های عمومی و عاجل مردم" و یا "برای تشکیل توده‌ها در پایین" مفید است به سیاست "حمایت از آنها و تقویت آنها در برابر طبقه کارگر و زحمتکشان منجر گردد".

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که نویسنده مقاله موفق نشده است اعتقادات سازمان خود و حقایق اختلاف آن با مواضع اعلام شده در پلنوم فرودین سازمان ما را بدقت تشریح کند. اختلاف اصلا بر سر اینست که پشتیبانی از اقدامات مثبت حکومت در آن زمان "ناظر بر خواست‌های عمومی و عاجل مردم" و "برای تشکیل توده‌ها در پایین" مفید بوده است یا خیر. پلنوم فرودین دقیقاً به این سوال پاسخ مثبت می‌دهد. در حالیکه راه کارگر مشخصاً با آن مخالف است و این اقدامات را به زیان "خواست‌های عمومی و عاجل مردم" و "برای تشکیل توده‌ها در پایین" مضر تشخیص می‌دهد، اما براساسی حق با کیست؟ ما فکر می‌کنیم هرگاه نویسنده راه کارگر پیش وجدان خود به تنهایی به فضاوت بنشیند مرکز نخواهد توانست حمایت از اقداماتی که اساساً انقلاب در دستور کار رژیم قرار داده بود را به "زیان خواست‌های عمومی و عاجل مردم" مضر برای "تشکیل توده‌ها" قلمداد کند. "راه کارگر" کار، به تغییر انقلابی جهان پیرامون خود و تسخیر آینده ندارد و این در بنیادهای ترین تحلیلی از بی‌اعتقادهای راه کارگر به "توده‌ها" سرچشمه می‌گیرد. مشی که "راه کارگر" از پیدایش تا امروز دنبال کرده و می‌کند، مشی گریز از واقعیات و مشی جدایی از توده‌هاست و علیرغم آنکه بارها این ضعف بنیادین خود را به اصلاح به نقد کشیده کماکان نشان می‌دهد که بدان مبتلا است. این بهیچ وجه برای ما تعجب آور نیست که "راه کارگر" از سر تعقیب به تلاش وسیع فدائیان خلق برای، تشکیل و سازمانت جیش توده‌های کارگر، و دهقانی علیه بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌دار، با نیش قلم بتازه و از آن در گذرد. ستایش شورانگیز ضمیمه ۲۹ راه کارگر از مواضع اقلیت در پلنوم مهرماه ۵۸ نیز قابل درک است، چرا که همه اینها بی‌اعتقادهای راه کارگر، به توده‌ها و ناتوانی او در درک و کاربست مشی دگرگونی انقلابی جامعه را به نمایش می‌گذارد.

ضعف بزرگ سازمان‌ها، مارکسیست - لنینیست ایران فقدان ارتباط با رابطه ضعیف آنان با طبقه

کارگر ایران است. این واقعیت که در ترکیب اجتماعی سازمان‌های مارکسیست - لنینیست ایران هنوز روشنفکران انقلابی برخاسته از محیط‌های خرده بورژوازی وزن و ثقل عمده را دارا هستند از سرچشمه‌های اصلی ظهور انحرافات راست و "چپ" در این سازمان‌ها می‌باشد.

انحراف "راه کارگر" از مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری از یک شالوده مادی تغذیه می‌کند. ترکیب اجتماعی این گروه که اساساً روشنفکران با خاستگاه بورژوازی و خرده بورژوازی است، محیط اجتماعی فعالیت "راه کارگر" که محیط بورژوازی و خرده بورژوازی، محیطی را که و بیگانه با توده‌ها و بدون ارتباط با کار و پییکار طبقه کارگر ایران است، آن زمینه مادی است که انواع انحرافات "راه کارگر" از آن مایه و نیرو می‌گیرد. از جمله دکماتیسیم و سکتاریسم "راه کارگر" از این شالوده ناشی می‌شود که تنها خود را می‌بیند و در این خودبینی تا آنجا پیش رفته است که آشکارا اعلام می‌کند که باید دیگرانی را که مثل او نمی‌اندیشند با "تمام نیرو مدفون کرد" (۱۷)

این سیمای عمومی "راه کارگر" است اما ما امیدواریم و در این راه می‌کوشیم که دکم‌های "راه کارگر" و سکتاریسم آن به سود آرمان مشترکمان، سوسیالیسم، سائیده شوند. ما بر این حقیقت آئینده ساز باور داریم که:

"اتحاد عمل و مشاوره و هم فکری همه پیروان سوسیالیسم علمی در مبارزه علیه رژیم، علیه امپریالیسم و سرمایه‌داری و در راه آرمان‌ها، طبقه کارگر ایران مواضع جنبش کمونیستی ایران را تقویت می‌کند و راه وحدت و نزدیکی کمونیست‌های ایران را هموار می‌نماید. این امر نیاز مبرم جنبش کارگری و کمونیستی ایران است." (۱۸)

منافع واقع کارگران انقلابی ایران در اینست که حقایق آئینده ساز راه بکشایند و راه خواهند گشوده

زیر نویس‌ها

(۱) راه کارگر ۲۹ - صفحه ۴

(۲) ضمیمه راه کارگر ۲۹ - صفحه ۲

(۳) راه کارگر، تلویک شماره ۱ صفحه ۷۲

(۴) مجموعه آثار، جلد ۲۸

(۵) راه کارگر، ضمیمه ۲۹

(۶) راه کارگر، تلویک ۱ صفحه ۸۸

(۷) ضمیمه راه کارگر، شماره ۲۹، صفحه ۱۱

(۸) قطعنامه پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان

فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره وظایف

مبارزه در راه وحدت جنبش کمونیستی و کارگری

ایران.

ضد انسانی پلیس برای روز دوشنبه اعتصابی کوتاه مدت را اعلام داشته‌اند. هم چنین نمایندگان کمونیست و سوسیالیست در مجلس ملی فرانسه از وزیر کشور خواستند برای پاسخگویی در برابر رویدادهای اخیر در مجلس حاضر شود. در برابر فشار افکار عمومی فرانسه آلن دوواک وزیر آموزش دولت شیراک ناچار به استعفا شده است. اما دولت شیراک هنوز حاضر نشده است طرح "دوواک" را برای دانشگاه‌ها پس بگیرد. دولت شیراک تنها انجام تغییراتی در چارچوب همین طرح را پذیرفته است.

قتل این دانشجوی مبارز با ژناب ویسی و فرانسوا بافت. مردم فرانسه با آگاهی از این امر به اشکال گوناگون انزجار خویش را نسبت به رفتار بربرمنشانه پلیس این کشور ابراز می‌دارند. در روز شنبه ۶ دسامبر تظاهراتی خودانگیخته با شرکت بیش از ۲۰ هزار تن از مردم پاریس برپا شد. عده زیادی از تظاهرکنندگان روز شنبه را مادران تشکیل می‌دهند. سندیکاهای کارگری U.G.O. و F.I.C. و سندیکای معلمین F.E.P. فرانسه، در پشتیبانی از این حرکت دانشجویی و به منظور اعتراض به رفتار

از اینرو و تظاهرات در روز بعد بصورت پراکنده در دانشگاه سوربن و خیابانهای اطراف ادامه یافت. در این روز پلیس برای متفرق ساختن تظاهرکنندگان، به نحوی وحشیانه به آنان یورش برد. در اثر درگیریهای پدید آمده عده زیادی از دو طرف مجروح شدند. دانشجویان با دادن شعارهایی علیه دولت شیراک، دانشگاه سوربن را تحت کنترل خویش گرفتند. پلیس باردیگر به اجتماع دانشجویان حمله برد و این بار بر اثر تهاجم بربرمنشانه پلیس یکی از دانشجویان به قتل رسید.

پاریس: تظاهرات

بقیه از صفحه آخر

نقشه دولت شیراک، با هدف انطباق سیستم آموزش عالی فرانسه بر منافع انحصارات طراحی شده است. دولت دست راستی فرانسه می‌کوشد دانشگاههای این کشور را مانند دانشگاههای آمریکا به جولانگاه سرمایه بزرگ و محل پرورش "الیت"، یعنی کادرمای مدیریت علمی - فنی و سیاسی سرمایه‌داری تبدیل کند. مذاکره هیات نمایندگان دانشجویان با دوواک وزیر آموزش در روز پنج شنبه، به نتیجه ای نینجامید.

توهین نخست وزیر ژاپن به اقلیت های نژادی آمریکا

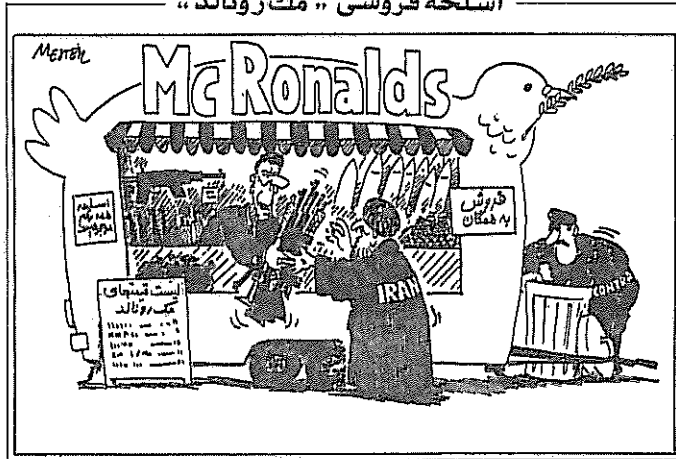
می خواستند حاکمیت "انسان برتر" را بر جهان برقرار سازند، به زباله دان تاریخ. پرتاب شدند و مهلت نیافتند بالاخره روشن سازند "انسان برتر" آریایی است یا زرد پوست؟! ناکازونه با نژادپرستان آمریکایی هم کیش خود، لااقل در این نکته هم عقیده است که "سیاهان، مکزیکی ها و پورتوریکن ها" انسانهای از نوع "پست" محسوب می شوند. اما آیا او نیز با این عقاید متعفن خود، به چایی جز زباله دان تاریخ ره خواهد برد؟

باسمیر و ناکازونه نخست وزیر ژاپن و دوست شخصی بسیار نزدیکی ریگان، اخیرا گفت، "به علت وجود سیاهان، مکزیکی ها و پورتوریکن ها در ایالات متحده، سطح هوش در آمریکا بسیار پایین تر از ژاپن است." (به نقل از روزنامه لیبراسیون، ۲ اکتبر ۱۹۸۶). نزدیک به نیم قرن پیش، اتحاد فاشیستهای آلمانی و ایتالیایی با میلیتاریستهای ژاپن آتش جنگ جهانی دوم را برافروخت. هیتلر، موسولینی و همپالکی های ژاپنی شان که

شیوخ صیاد

اخیرا وزیر امور خارجه عربستان با حرمسرا و تشریفات ویژه خود وارد جنوب ایران شد تا در دشتهای استان فارس، همچون زمان شاه سابق، به شکار و گشت و تفریح بپردازد. جمهوری اسلامی به مقامات منطقه دستور داده بود که کاملا اسباب عیش حضرات رافراهم سازند و حتی مناطق ممنوعه از نظر شکاربانی را برایشان قرق کنند. خیال شیوخ شکارکار، از رام شدن روباههای قم و تهران آنچنان آسوده شده که اکنون مشغله شان صید شکارهای در و دشت کشورماست.

اسلحه فروشی "مک رونالد"



هنوز

"چیزهای زشت"، را نگفته اند! رفسنجانی پیرامون رابطه با آمریکا:

البته یک چیزهای زشت تری هست که ما هنوز آنها را نگفتیم و آنها را نگه داشتیم که اگر شما (دولت آمریکا) یک مقداری با ما بدرفتاری کردید، آنها را فاش کنیم." (رسالت ۲۴ آبان)

زنگی خمینی یا صدام حسین؟

به نوشته نشریه "جینز دیفنس ویکی" رژیم عراق تعدادی تانک ام-۴۸ را که در سال ۱۹۸۵ از ایران غنیمت گرفته بوده است به دلالان بین المللی اسلحه فروخته و رژیم خمینی آنها را مجددا از این دلالان خریداری کرده است. پیدا کنید در این معامله خمینی برده است یا صدام حسین؟

شعر معاصر جهان

آزادی

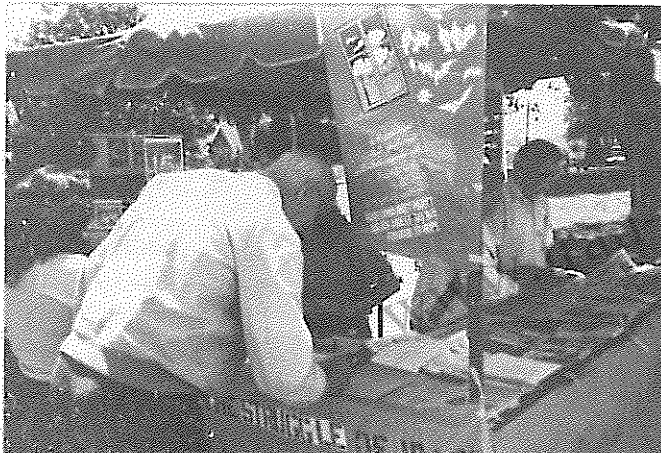
پیل الوار

من نام تورا می نویسم	بر میدانگاههای لبریز و سرشار	بر روی کهنه چشمه آفتاب	در دفترچه یادداشت مدرسه ام
بر پنجره شگفتی ها	من نام تورا می نویسم	بر روی پر که مهتاب	بر روی میز تحریر و بر ساق درخت
بر لب های آگاه	بر چراغ تابنده و فروزان	من نام تورا می نویسم	بر روی ماسه، بر روی برف،
درست بر زبر سکوت	بر چراغ فسرده و خاموش		من نام تورا می نویسم
من نام تورا می نویسم	بر خانه های از نو آبادان گشته	بر دامن صحرا، بر دامن افق	بر روی تمام اوراق خوانده شده
	من نام تورا می نویسم	بر بال پرندگان	بر روی تمام صفحات تنوشته،
		و بر دندانهای سایه ها	بر زیر سنگه، خون، کاغذ، یا لوح چوبین،
		من نام تورا می نویسم	من نام تورا می نویسم
بر پناهگاههای ویران شده ام	بر میوه های که به دو نیم شده	بر دمیدن های سپیده دمان	بر مثال های مطلا
بر آتش های رو به افولم	بر آینه و اتاق خوابم	بر عرصه دریاها، بر عرشه کشتی ها	بر جنگه انزار جنگجویان
بر حصارهای فسردگی هایم	بر صدف خالی بستم	بر دامن کوهساران	بر دهبیم پادشاهان
من نام تورا می نویسم	من نام تورا می نویسم	من نام تورا می نویسم	من نام تورا می نویسم
بر غیبت بدون هوس	بر مهر و آرزو سگم	بر ابرهای کف بر دهان	بر عرصه بیشه و بیابان
بر عزلت عریان	بر گوش های تیز او	بر توفان های نشسته خوی بر اندام	بر منزلگاهها و آشیانها، بر بوته جگن ها
بر گام های مرگ	بر پنجه های ناهنجارش	بر پرده دلگیر رگیار باران	بر بازتاب دوران کودکی
من نام تورا می نویسم	من نام تورا می نویسم	من نام تورا می نویسم	من نام تورا می نویسم
بر سلامتی باز یافته	بر درگه خانه ام	بر اشکال محو	بر شگفتی های شبها
بر مخاطرات از سر گذشته	بر اشیاء آشنا	بر زنگه های رنگ	بر رزق سپید روزها
بر امید بی خاطره	بر شعله های سرکش آتش مقدس	بر حقیقت ملموس	بر پیوند نامزدی فصلها
من نام تورا می نویسم	من نام تورا می نویسم	من نام تورا می نویسم	من نام تورا می نویسم
و به نیروی يك كلمه	بر ناصیه تمام همزمان موافق	بر راههای آشنا	بر روی تمامی جامه های ژنده خود
من زندگی ام را از نو آغاز می کنم	بر پیشانی یاران شاطر	بر راههای هموار	
من به دنیا آمدم تا تورا بشناسم	بر هر دستی که دراز گشته		
تا تورا بخوانم: آزادی.			

در فستیوال «گاردین»، ارگان حزب سوسیالیست استرالیا

فستیوال «گاردین» از غرفه مشترک ایران، شیلی و اسپانیا دیدن کردند. بازدیدکنندگان از این غرفه که از جمله آنها شخصیت‌های سیاسی برجسته‌ای چون پیتر سایمون دبیر اول حزب سوسیالیست استرالیا و مری پلک و خنامید لتون اعضای کمیته مرکزی این حزب بودند. ضمن ابراز انزجار از سرکوب و وحشیانه‌ای که رژیم خمینی در ایران بر اه انداخته است، ادامه جنگ ایران و عراق را محکوم کرده، خواهان پایان دادن به آن شدند.

بازدیدکنندگان همچنین همبستگی خویش را با مبارزات نیروهای انقلابی ایران علیه سیاست‌های ضد مردمی و ضد ملی جمهوری اسلامی که افشای روابط پنهانی حکومت خمینی و دولت ریگان آنرا بیش از پیش آشکار نمود، ابراز داشتند.



دبیر اول حزب سوسیالیست استرالیا متنی را در محکومیت سیاست‌های ضد دمکراتیک و جنگ افروزان رژیم خمینی امضا می‌کند.

کنفرانس بین‌المللی برای صلح، امنیت و توسعه در آسیا

جنگ ایران و عراق را به سود امپریالیسم آمریکا دانسته، خواهان حل اختلافات از طریق مذاکره شد. نماینده هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که از جمله شرکت کنندگان در این کنفرانس بود، در سخنرانی خویش با تأکید بر مبارزه صلح‌طلبانه مردم ایران، سیاست ادامه جنگ را که از سوی رژیم خمینی دنبال می‌شود، محکوم نمود.

این کنفرانس با صدور و بیانیه تحت عناوین بیانیه کیزون سیتی و بیانیه مانیل به کار خود خاتمه داد. در بخشی از بیانیه مانیل بر ضرورت پایان دادن به جنگ خانمان سوز ایران و عراق و قطع فروش تجهیزات نظامی به ایران تأکید شده

فستیوال روزنامه «گاردین» ارگان حزب سوسیالیست استرالیا، روز ۲۲ نوامبر در شهر سیدنی پایتخت این کشور برگزار شد. این فستیوال که در سال جهانی صلح به فستیوال صلح دوستان این کشور تبدیل شده بود با استقبال گرم بازدیدکنندگان مواجه گردید. وجود غرفه‌های برخی از نیروهای مترقی سایر کشورها در فستیوال، جلوه‌ای از پیوندهای عمیق رزمندگان راه صلح و رهایی خلقها را به نمایش گذاشته بود.

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب کمونیست اسپانیا و کمیته همبستگی با خلق شیلی در استرالیا غرفه مشترکی برپا کردند که در آن کتابها، نشریات، پوسترها و عکس‌هایی بمنظور انعکاس مسائل ایران، شیلی و اسپانیا عرضه شده بود. جمع کثیری از بازدیدکنندگان

نیروهای مترقی ایتالیا در دفاع از زنان ایرانی

مسئول مرکز آزادی سونیاتیزو
خانم ماریا باسینتلو، رئیس انجمن فرهنگی و هنری ایتالیا-پادوا
کمیته صلح پادوا
گروه pex christz
گروه جوانان aclisto، پادوا
بخشی از متن این قطعنامه که برای سفارت ایران در ایتالیا و... ارسال گردید، چنین است:

"ما بطور مداوم از وضع دردناک زنان ایران در رابطه با جنگ ایران و عراق مطلع می‌شویم. مادران ایرانی نه تنها باید متحمل اعزام فرزندان و شوهرانشان به جبهه جنگ بيمورد شوند بلکه حتی باید برای تهیه اولین مواد لازم غذایی (چون شیر خشک نوزادشان) هم مبارزه کنند.

ما ستمهایی را که هر روزه بر زنان ایران در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی روا می‌شود بویژه فراخوان اخیر به حضورشان در جبهه‌های جنگ را محکوم می‌کنیم"

چندی پیش جشن ولایتی ارکان مطبوعاتی حزب کمونیست ایتالیا (اوپنتا) در شهر پادوا برگزار گردید. فدائیان خلق در ایتالیا با شرکت در این جشن به افشاکاری علیه سیاست‌های ارتجاعی رژیم خمینی پرداختند و قطعنامه‌ای را که از سوی کمیسیون زنان کمونیست پادوا و زنان فدایی در اعتراض به تحمیلات ضد انسانی جمهوری اسلامی علیه زنان ایرانی تهیه شده بود، به امضای شخصیت‌های شرکت کننده در جشن رساندند. این قطعنامه در نشستی که از سوی مدافعان صلح شهر پادوا برگزار شد به امضای گروه‌های صلح طلب این شهر نیز رسید. برخی از شخصیت‌ها و گروه‌هایی که قطعنامه را امضا کرده‌اند عبارتند از:

- خانم لیریا تورکو از دبیرخانه حزب کمونیست ایتالیا
- خانم ماریا آنجلا کرانیر عضو کمیته مرکزی و مسئول ایالتی کمیسیون زنان حزب کمونیست ایتالیا
- مسئول جوانان حزب کمونیست ایتالیا-پادوا

همبستگی با زندانیان سیاسی

روز ۲۸ نوامبر در مرکز شهر مونیخ - آلمان فدرال، فدائیان خلق تظاهرات ایستاده‌ای در "همبستگی با زندانیان سیاسی ایران" و به منظور جلب افکار عمومی مردم این شهر نسبت به اقدامات بربرمثنانه رژیم خمینی برپا نمودند.

این تظاهرات علیرغم تضییقاتی



در روزهای ۲۶، ۲۷ و ۲۸ سپتامبر کنفرانس بین‌المللی همکاری برای صلح، امنیت و توسعه در آسیا و کشورهای حوزه اقیانوس آرام با شرکت میات‌های نمایندگی اتحاد شوروی، ویتنام، آمریکا، استرالیا، نیپلند و... در فیلیپین برگزار گردید.

در کنفرانس سخنرانی‌های متعددی پیرامون حفظ صلح در جهان، برچیدن پایگاه‌های نظامی آمریکا در فیلیپین و... خاتمه جنگ ایران و عراق صورت پذیرفت. نوری عبدالرزاق منشی دائمی سازمان همبستگی خلق‌های آسیا و آفریقا و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق در سخنرانی خود ادامه

راهپیمایی پناهندگان ایرانی در هلند

اخیر، ابعاد براتب وسیعتری یافته است. انجمن پناهندگان ایرانی در هلند، بمنظور مقابله با این سیاستهای غیر انسانی دولت هلند، در تاریخ ۲۰ نوامبر یک راهپیمایی اعتراضی را سازمان داد. این راهپیمایی با شرکت عده زیادی از پناهندگان ایرانی و با حمایت محافل مترقی هلند، با شعارهای "متقاضیان پناهندگی ایرانی باید بمانند"، "نه ترکیه، نه پاکستان، نه ایران"، "اخراج را متوقف کنید"، "مرگ بر خمینی" و ... از یکی از خیابانهای آمستردام شروع شد و در جلواراده مهاجرت هلند پایان یافت.

از طرف محافل نژادپرست هلند، از سال گذشته به اینسو، اعمال فشار و محدودیت بر علیه حقوق پناهندگی در ابعاد وسیعتری تشدید می شود. اخیرا دولت هلند، برای بیش از ۸۰ درصد از متقاضیان پناهندگی که از سال ۸۵ به بعد وارد هلند شده اند، رای منفی اولیه صادر کرده است. تقاضای ده تن از پناهندگان ایرانی، با صدور رای منفی قطعی رد شده است و به موجب این حکم، این ده تن پناهنده ایرانی، می بایست تا ۲۱ نوامبر سال جاری هلند را ترک می کردند. تشدید محدودیت و تضيیقات غیر انسانی در هلند، بویژه بر علیه پناهندگان ایرانی، طی ماههای

اقدام مشترک در دفاع از پناهندگان سیاسی

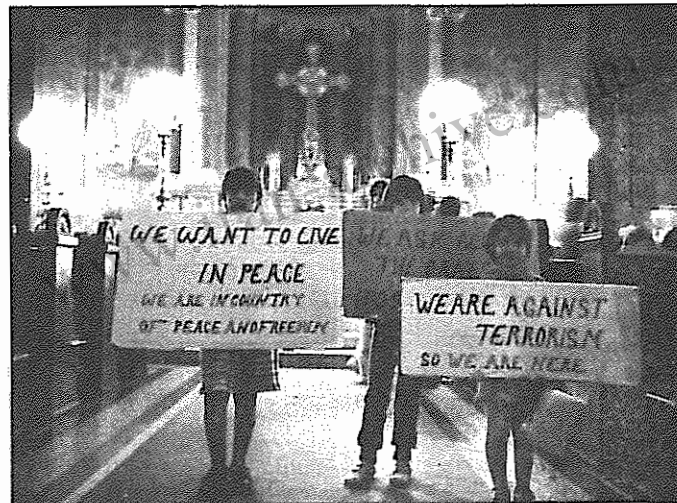
پناهندگی، مردم را در جریان دلایل واقعی مهاجرت مبارزین سیاسی ایرانی به آلمان فدرال قرار می دادند. در این حرکت اعتراضی هزاران نسخه اعلامیه مشترک از سوی نیروهای برگزار کننده پخش شد. طی این مدت برخی از مردمی که با شرکت کنندگان در تظاهرات، پیرامون مسایل و مشکلات پناهندگان به گفتگو می ایستادند، ضمن ابراز همبستگی با آنان تضيیقات نژاد پرستانه محافل حاکم بر این کشور علیه پناهندگان را مورد نکوهش قرار داده و محکوم می کردند.

روز ۲۲ نوامبر یکی از مراکز پر جمعیت شهر برمن آلمان فدرال، محل برگزاری تظاهرات ایستاده ای بود که به دعوت جوانان کارگر سوسیالیست آلمان و با شرکت فعال جوانان پیشگام در برمن، رفقای توده ای و جوانان مترقی شیلی و ترکیه مقیم این شهر، در دفاع از حق پناهندگی انجام گرفته بود. جوانان پیشگام که در تدارک و برپایی این تظاهرات نقش موثری داشتند با پلاکاردهایی حاوی شعارهایی علیه جنگ ایران و عراق و در دفاع از پناهندگان سیاسی و حتی

تحصن پناهندگان ایرانی در دانمارک

بقیه از صفحه اول

به تجربه موفق ایرانیان در یکسال و نیم گذشته در سازماندهی حرکات اعتراضی، اقدام به تحصن در کلیسای "مادر" در این شهر نمودند. با شروع تحصن در تاریخ دوم آذر در کلیسای "مادر" و شرکت فعال بیش از دویست نفر، مسائل و مشکلات پناهندگان در تعدادی از رسانه های گروهی دانمارک، از جمله در رادیو و تلویزیون انعکاس یافت. این تحصن به مدت ۲۴ ساعت ادامه داشت. ظهر روز سوم آذر متحصنین از کلیسای "مادر" به ست میدان مرکزی شهر - میدان شهرداری - راهپیمایی کردند. در این راهپیمایی قریب به ۲۵۰ نفر شرکت داشتند، در این میدان پناهندگان ایرانی که از جانب عده ای از نیروهای مترقی دانمارک حمایت می شدند، پس از توقفی کوتاه و خواندن قطعنامه به طرف پارلمان دانمارک حرکت نمودند. پناهندگان ضمن قرائت قطعنامه و تماس با دفتر پارلمان دانمارک، اعلام کردند تا رفع تضيیقات غیر انسانی مسئولین اداره مهاجرت و پلیس دانمارک و به منظور برآورده شدن خواسته های انسانی و قانونی خود به اقدامات اعتراضی و جمعی ادامه خواهند داد. در تجمع میدان شهرداری کپنهاگ، بیش از ۴۰۰ نفر از پناهندگان ایرانی حضور داشتند. در این تجمع یک دانمارکی به نمایندگی از طرف مردم دانمارک سخنرانی کرده و ضمن حمایت از خواسته های پناهندگان، گوشه هایی از جنایات بی شمار رژیم ددمنش خمینی را برشمرد و مردم دانمارک را به حمایت از پناهندگان ایرانی فراخواند.



عکسی از متحصنین در کلیسا

در دانمارک است، پناهندگان ایرانی اقدام به تحصن در راهروهای کشتی نمودند. این اقدام اعتراضی پناهندگان سیاسی ایرانی، با همیاری فعال تمام پناهندگان توسط شورایی که از بین خود انتخاب کرده بودند، رهبری می شد. با اقدامات این شورا و حمایت محافل مترقی دانمارک، علیرغم اینکه پلیس از ورود خبرنگاران به داخل کشتی جلوگیری می نمود و علیرغم فاصله زیاد کشتی از مرکز شهر، این حرکت اعتراضی پناهندگان ایرانی بطور وسیعی در شهر انعکاس یافت.

در پی تحصن در کشتی "نورونا" که به مدت سه شبانه روز ادامه یافت. پناهندگان ایرانی در کپنهاگ با توجه

توسط پلیس، و ابلاغ حکم اخراج به آنان، خطر تحویل دادن پناهندگان سیاسی به رژیم خمینی از هر زمان دیگری بیشتر شده است. ایرانیان پناهنده در دانمارک، که شرایط بسیار فاجعه بار و غیر انسانی به آنان تحمیل شده است و بسیاری از آنان حتی در کشتی های متروک و بدون هیچگونه امکانات زیستی اسکان داده شده اند، طی ماه گذشته در اعتراض به اقدامات اداره مهاجرت و گسترش جوابهای منفی و رفتار غیر انسانی پلیس، به حرکات متعدد و اعتراضی دست زده اند. در تاریخ ۲۹ آبان ماه بدنیا، ر بودن یکی از ایرانیان توسط پلیس از کشتی "نورونا" (محل اسکان پناهندگان سیاسی) که بزرگترین کمپ صلیب سرخ

محدود به وضع قوانین ارتجاعی نمی شود. در کنار تصویب این قوانین، تبلیغات رسانه های دست راستی دانمارک بر علیه پناهندگان روز بروز تشدید می شود. اکنون حتی پناهندگانی که قبل از تصویب قانون جدید وارد دانمارک شده اند، به بهانه های مختلف با حکم اخراج و جواب منفی پذیرش پناهندگی در ابعاد بسیار وسیع مواجه می شوند. پناهنده های این کشور تغییر محل سکونت از کمپ ها بیرون کشیده و به مرکز پلیس می برد. این پناهندگان در مرکز پلیس با حکم اخراج و دستور ترک فوری دانمارک روبرو می گردند. از جمله تضيیقات اخیر علیه پناهندگان در این کشور، اعمال فشار به نوجوانانی است که والدین آنها قانونا پناهنده شناخته شده اند. فرزندان پناهندگان سیاسی که به سن قانونی ۱۸ سالگی می رسند، از طرف اداره مهاجرت با حکم اخراج از دانمارک مواجه می شوند و تنها در صورتی می توانند در دانمارک پناهندگی و یا اجازه اقامت بگیرند که از طرف سفارت جمهوری اسلامی در دانمارک، پاسپورت قانونی دریافت کنند!

ابعاد وسیع جوابهای منفی به متقاضیان پناهندگی سیاسی و رفتار غیر انسانی پلیس دانمارک، طی ماههای گذشته، ایرانیان پناهنده در این کشور را با مشکلات و تضيیقات گسترش یابنده ای مواجه ساخته است. در ماه گذشته، بدنیا، ر بوده شدن چند تن از پناهندگان ایرانی از کمپ ها

۲۳ زندانی سیاسی قیرواران شدند

طبق خبر مندرج در اطلاعیه‌ای که در روز ۲۰ آبان‌ماه از سوی گروه منشعب از سازمان ما (پیداران بیانیه ۱۶ آذر) منتشر شده است، ۲۳ تن از زندانیان سیاسی به دست رژیم سفاک جمهوری اسلامی به جوخه اعدام سپرده شدند که دو تن از آنان از کادرهای این سازمان بودند. این دو تن رفقا اسمعیل حسینی و منصور پورمحمدی می‌باشند. اسامی و هویت سازمانی ۲۱ تن دیگر از اعدام شدگان هنوز مشخص نشده است. کشتار جمعی این گروه از فرزندان دربند خلق در مهرماه سال جاری صورت گرفته است.

کشتار تازه زندانیان سیاسی، باردیگر ضرورت گسترش مبارزه در دفاع از زندانیان سیاسی ایران را آشکار می‌سازد. در اطلاعیه مزبور نیز با توجه به این ضرورت، خواسته شده است "برای حمایت از زندانیان سیاسی ایران و نجات جان آنان، فریاد خود را علیه شکنجه و اعدام زندانیان بلند کنید"

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران طی اطلاعیه‌ای در روز ۱۴ آبان اعلام داشت که عبدالحکیم رضائی، عضو کمیته مرکزی این حزب در روز نهم آبان ماه در درگیری با نیروهای سرکوبگر رژیم خمینی، به شهادت رسید. در این درگیری، همراه با عبدالحکیم رضائی سه تن از پیشمرگه‌های حزب به نام‌های صالح میرزائی، صدیق میری و محمد احمدپور نیز شهید گردیدند. درگیری مزبور در ارتفاعات "وه‌ری‌نان" در منطقه "سرشیو"ی سقز به دنبال تهاجم سنگین نیروهای مستقر رژیم، به وقوع پیوست.

در اطلاعیه کمیته مرکزی ج.د.ک. آمده است که عبدالحکیم رضائی در سال ۱۳۳۴ در شهر پاره متولد شد. در سال ۱۳۵۷، وی که دوره خدمت سربازی را طی می‌کرد، به خاطر فعالیت‌های میهن‌پرستانه، دستگیر و در یادگان بیستون که مانع از زندانی

مزدبگیران سیاه چه می‌گویند؟

از سوی دیگر شاهین فاطمی در مقاله‌ای که در کیهان لندن (شماره ۱۲۵) به چاپ رسانده، در توضیح مزدوری خود و داروستانه‌اش گفته است که حق دارد "از هر نوع وسیله و امکانش" استفاده کند و "همکاری با بیگانگان" نباید نامشروع شده شود.

امیر ظاهری سردبیر پیشین روزنامه کیهان (در رژیم گذشته) طی یک سخنرانی در آمریکا به مساله معامله تسلیحاتی جمهوری اسلامی و آمریکا پرداخت و در دفاع از آن اظهار داشت: "ما فروش اسلحه به ایران را... تایید می‌کنیم... مسخره است که ایران را در قرنطینه بیاوندازند و نگذارند به نیروهای مسلح ما اسلحه نرسد... نباید از یاد برد که عراقی‌ها برای چندین سال انواع اسلحه مورد نیاز خود را جمع کرده‌اند. کسانی که برای تحریم فروش اسلحه به ایران، فریاد می‌زنند و تبلیغ می‌کنند، در واقع، می‌خواهند ایران بی‌دفاع بماند."

تیسار مدنی نیز در مصاحبه‌ای با کیهان لندن (شم آذرماه) شرکت کرد. وی که در پاسخدهی به شدت آشفته بود، حرف‌های بی‌سروته‌ای را پیش می‌کشید. با وجود این او نیز به‌ناگزیر اعتراف کرد که از سیاه‌پول گرفته است. مدنی گفت از سپتامبر ۱۹۸۰ با آمریکایی‌ها تماس داشت و آنها پول را به حساب دفتری واریز کردند که تحت سرپرستی وی در آلمان فدرال دایر شده بود. تیسار مدنی

افشای این خبر که "جبهه نجات" دکتر علی امینی و "تیسار دریادار دکتر سیداحمد مدنی" از سازمان جاسوسی سیاه‌پول می‌گرفته‌اند، این افراد و سرکردگان این قبیل دستجات را به‌مخمسه سختی دچار ساخته است. با وجود این، این مزدبگیران رسوا هنوز تمقلای کنند با دغلقاری واقعیت را پوشیده نگه‌دارند، اگر چه کتمان همه واقعیات دیربرای آنان ممکن نیست.

علی امینی نخست‌وزیر پیشین رژیم شاه، رهبر "جبهه نجات" و یکی از سرکردگان اصلی دستجات سلولنت طلب که ماهانه یکصد هزار دلار از سیا مستمری می‌گرفت، طی بیانیه‌ای ابراز تکرانی کرد که انتشار این اخبار باعث شده است "گرومی از هموطنان... تحت تاثیر اظهار نظرهای تفسیرهایی که هر روز می‌شنوند یا می‌خوانند" قرار بگیرند.

شاهین فاطمی دبیر "جبهه نجات" و اسلام کاشیبه، رئیس دفتر سیاسی این دار و دسته ضدانقلابی در نامه مشترکی به روزنامه واشنگتن پست، از این روزنامه بخاطر انتشار آن مطالب افشاگرانه کلاهبرداری در این نامه تلویحاً گفته شده است که لورفتن این خبرها کار دستجات رقیب‌شان بوده است؛ "نویسنده محترم این مقاله... شایعات... متداول در اکثر جوامع تبعیدی را در محله خود گنجانده است."

شهادت عبدالحکیم رضائی عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات

گردید. عبدالحکیم رضائی پس از سرنگونی رژیم شاه و آزادی از زندان، به ج.د.ک. پیوست و درکناره پنجم این حزب، به عضویت کمیته مرکزی برگزیده شد. وی در زمان شهادتش، از سوی حزب دمکرات مسئولیت منطقه ۲ جنوب کردستان را برعهده داشت.

در اطلاعیه مزبور همچنان اعلام شده است که طی هفت سال اخیر پیش از سه‌هزار تن از پیشمرگه‌های حزب دمکرات و نزدیک به یک هزار تن از اعضای این حزب در نبرد بارزیم خمینی و در راه تحقق آرمانهای خلق کربده شهادت رسیده‌اند.

ماضن گرامیداشت یاد شهید عبدالحکیم رضایی و هم‌زمانش، اطمینان داریم که رژیم تبهکار خمینی به رغم این‌گونه جنایات نخواهد توانست بر اراده خلق کرد در مبارزه برای دستیابی به حقوق خویش خالی وارد نماید.

گفت که در نتیجه گفتگوهای فیما بین "آمریکایی‌ها قرار شد مبلغی به این دفتر کمک کنند... این کمک را به دفتر کردند."

دریادار مدنی نیز مثل امیر ظاهری، از ارسال سلاح‌های آمریکایی برای رژیم خمینی پشتیبانی کرد. او پیرامون این مساله بدینگونه اظهار نظر کرد: "من هرگز دادن اسلحه را محکوم نمی‌کنم... شش سال است ارتش ایران می‌جنگد. باید اسلحه از جایی فراهم کند."

مدنی در تفسیری بر مناسبات برملا شده جمهوری اسلامی و آمریکا، جناح طرف مذاکره با دولت ریگان را در رژیم جمهوری اسلامی، "جناح میانه‌رو" نامید و افزود که این جناح هنوز به اندازه کافی "معتدل نیست و باید معتدل‌تر شود."

تیسار مدنی در روز ۱۲ آذرماه در مصاحبه‌ای دیگری با رادیو بی.بی.سی، گفت مبلغ دریافتی از سازمان سیا قریب یک میلیون دلار بوده است. وی این پول را "قرض الحسنه‌ای برای نجات ایران" نامید. او هم چنین افزود که از برخی کشورهای منطقه نیز پول گرفته است. مدنی از بهبود مناسبات آمریکا و جمهوری اسلامی استقبال کرده و تأکید کرد "روابط ایران و آمریکا باید عادی و دوستانه شود." او شعار "مرگ بر آمریکا" را "تهور آور" خواند.

رجوی:

رژیم خمینی

سروته یك كرباس است

آقای مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق در بیانیه‌ای که در تاریخ ۲۰ آبان منتشر نمود، ارزیابی خویش را از رویدادهای اخیر ارائه کرده است. در این بیانیه آمده است: "آشکار شدن روابط مخفیانه و مستند رژیم خمینی با آمریکا، برملا شدن تغذیه تسلیحاتی رژیم خمینی توسط "شیطان بزرگ" و افشا دست نشانده‌گی مدعیان سلطنت و تمامی بازماندگان رژیم شاه و همچنین افشا وابستگی برخی مدعیان "میانه‌روی" و "استحاله رژیم خمینی"، "یک سلسله تحولات سیاسی است که در "جریان تجزیه و فروپاشی... حکومت نامشروع خمینی" بناگزیب پدیدار شده است."

در بیانیه گفته شده است: "این حقایق در آستانه "خاتمه خدمت" نهایی و از دور خارج شدن گریز ناپذیر راه حل استحاله و نیز جانشین سلطنتی به اید، رژیم خمینی، ویس از اثبات از کار افتادگی تاریخی و بلا مصرف بودن سیاسی اینگونه جانشین تراشی‌ها، برملا می‌شود." آقای رجوی در رد نظر استحاله پدیری، رژیم خمینی، تأکید کرده است که "برای استحاله پدیری، بایستی ساخت و بافت ضد تاریخی این دیکتاتوری، مذهب و قرون وسطایی از اساس دگرگون ونفی می‌شود." در حالیکه "رژیم خمینی در تمامیتش و در انواع و اقسام کارگزاران جنایتکارش سروته یک کرباس است و در چارچوب این رژیم سفاک ضد مردمی، سگ زرد همانا برادرشغال است."

در قسمت دیگری از این بیانیه خاطر نشان شده است "بقایای شاه و خمینی و جنایتکارانی همچون امینی و بختیار و بنی‌صدر و مدنی و بازرگان... هیچ خاستگاه و پشت و پناهی جز آنچه که اکنون در رسانه‌ها افشا شده نداشته و ندارد کما اینکه اگر سیل تسلیحات و کمک‌های خارجی در کار نبود رژیم خمینی هرگز تا این زمان نیز در قدرت نمی‌ماند."

رهبر سازمان مجاهدین خلق هم چنین در مصاحبه‌ای با "صدای مجاهد" در روز اول آذر، در باره بازتاب علنی شدن مناسبات آمریکا و جمهوری اسلامی اظهار داشت: "رژیم تروریستی و ضد بشری خمینی آنقدر نجس و آلوده است که هر کس در این دنیا به آن دست بزند و با آن دست بدهد مغیوب واقع خواهد شد"

بهران دولت ریگان

رسوایی اخیر در رابطه با فروش سری اسلحه آمریکایی به رژیم خمینی و تامین مالی ضد انقلابیون نیکاراگوئه از محل سودهای این معامله، دولت ریگان را دچار شدیدترین بحران سیاسی داخلی آمریکا از هنگام افشای افتضاح و اترکیت تاکنون کرده است. در شماره پیش گزارش دادیم که ریگان مجبور شد پویند دکسترو ثورت را از سمت هایشان در شورای امنیت ملی آمریکا برکنار کند. در هفته گذشته، علیرغم این اقدام، فشار افکار عمومی آمریکا بر ریگان افزایش یافت. طبق نظرخواهی‌های منتشر شده از سوی رسانه‌های آمریکا، در نتیجه رسوایی‌های پیاپی، میزان طرفداری آمریکایی‌ها از ریگان، ۲۰ درصد کاهش یافته و از ۶۷ درصد به ۴۷ درصد رسیده است. اکثریت مردم آمریکا معتقدند ریگان بیش از آنچه خود معترف است، در جریان "عملیات" دستیارانش در کاخ سفید بوده است.

پویند دکسترو ثورت دو دستیار برکنار شده ریگان هفته گذشته توسط کمیته جاسوسی سنای آمریکا احضار شدند اما در برابر پرسشهای این کمیته سکوت کردند.

هفته گذشته ریگان پس از یک هفته مقاومت در برابر خواست برخی نمایندگان کنگره دایر بر رسیدگی به ماجرا توسط یک دادستان مستقل، به این خواست تن داد. پیش از آن، ریگان ادوین میس دوست قدیمی خود و دادستان کل آمریکا را که از ماهها پیش در جریان معامله تسلیحاتی با رژیم خمینی نیز بوده است، مأمور تحقیقات پیرامون این رسوایی کرده بود. بدین ترتیب ریگان می‌خواست ماجرای نقض قوانین آمریکا را تا حد امکان لاپوشانی کند.

برخی نمایندگان کنگره آمریکا خواستار ترمیم کلی کابینه ریگان شده‌اند. سخن از برکناری احتمالی دونالد ریکن رئیس دفتر کاخ سفید و بلیام کیسی رئیس "سیا"، جرج شولتز وزیر خارجه و کاسپار واین برگر وزیر دفاع ایالات متحده می‌رود.

سه شنبه گذشته ریگان، فرانک کارلوجی معاون پیشین رئیس "سیا" را به سمت مشاور امنیت ملی خود منصوب کرد.

ارتش اسرائیل

۳ دانشجوی فلسطینی را به قتل رساند

در جریان یورش وحشیانه واحدهای ارتش اشغالگر اسرائیل به دانشگاه بیرزید واقع در رام الله (کرانه غربی رود اردن)، سه دانشجوی فلسطینی توسط صیہونیستها به قتل رسیدند و ۲۲ تن دیگر مجروح شدند. حال دو تن از مجروحین وخیم است. خبرگزاری فلسطین، نام دانشجویان مقتول را جواد عبدالسلامه، مصطفی عطاری و صائب سلیمان ذکر کرد. صیہونیستها تنها نام دو تن را به عنوان مقتول گزارش کرده بودند.

دانشگاه بیرزید دومین دانشگاه بزرگ کرانه غربی اشغالی رود اردن است. درگیری میان دانشجویان و سربازان اسرائیلی زمانی آغاز شد که ارتش راهپای اصلی منتفی به دانشگاه را مسدود کرده، به بازداشت دانشجویان پرداخت.

رئیس موقت شورای انقلاب افغانستان برگزیده شد.

حاجی محمدخمکنی معاون رئیس شورای انقلابی جمهوری دمکراتیک افغانستان به عنوان رئیس موقت شورای انقلابی برگزیده شد. وی تا انتخاب رئیس جدید شورا، این سمت را برعهده خواهد داشت. خمکنی یک شخصیت روحانی است. همان‌گونه که در "اکثریت" شماره ۱۲۴ گزارش دادیم، ببرک کارمل رئیس شورای انقلابی افغانستان از این سمت کناره گرفت.

پلنوم کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان در کابل برگزار شد. در این اجلاس محمد نجیب دبیر کل حزب خاطر نشان ساخت حزب دمکراتیک خلق و دولت افغانستان با تمام توان خود می‌کوشند به جنگ اعلان نشده علیه افغانستان انقلابی پایان دهند. نجیب گفت از مهم‌ترین وظایف مرحله کنونی انقلاب، ادامه روند گسترش پایگاه اجتماعی انقلاب است. نجیب تاکید کرد افغانستان انقلابی آماده تفاهم با کسانی است که به اجبار به جنگ کثیف علیه انقلاب افغانستان کشانده شده‌اند، اما مردم افغانستان در هیچ مذاکراتی از دستاوردهای انقلاب ثور عقب نخواهند نشست. وی گفت: "روی ما به سوی آینده است." نجیب افزود از وظایف کنونی، تامین امنیت مرزها، حل مساله ارضی، تدوین و تصویب قانون اساسی جدید و حل بسیاری مسایل دشوار دیگر است.

گفتگوهای الفتح و

جبهه خلق برای آزادی فلسطین

جرج حبش رهبر جبهه خلق برای آزادی فلسطین با ابوجهاد از اعضای رهبری سازمان الفتح در مسکو دیدار و گفتگو کرد. موضوع این گفتگوها، پایان دادن به تفرقه میان سازمانهای فلسطینی، احیای وحدت سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) و تدارک تشکیل اجلاس شورای ملی فلسطین (پارلمان در تبعید) بود. ابوجهاد در پایان این گفتگوها در مصاحبه‌ای با روزنامه کویتی الانبا، گفت الفتح و جبهه خلق به توافقی دست یافته‌اند. از جمله، سازمان الفتح رسماً توافق (۱ فوریه میان ملک حسین و یاسر عرفات را ملغی شده اعلام می‌کند، و در مقابل، جبهه خلق برای آزادی فلسطین به عضویت خود در "جبهه نجات ملی فلسطین" که اتحاد نیروهای مخالف عرفات است و مقر آن در دمشق است، پایان خواهد داد.

ابوجهاد گفت در مذاکرات وی با جرج حبش در مسکو مقابله با توطئه کنونی برای از بین بردن حضور نیروهای فلسطینی در لبنان نیز مورد بررسی قرار گرفت. به گفته ابوجهاد، اتحاد شوروی نقش عمده‌ای در آشتی میان سازمانهای فلسطینی ایفا کرد. خبرگزاریها گزارشهایی پیرامون احتمال برگزاری قریب الوقوع اجلاس شورای ملی فلسطین در الجزایر انتشار داده‌اند.

بدنبال جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین و حزب کمونیست فلسطین، جبهه خلق برای آزادی فلسطین نیز به کوششها جهت احیای وحدت ساف پیوسته است و بدین ترتیب همه سازمانهای عمده جبهه فلسطین در این کوششها شرکت دارند.

شیلی :

جان انقلابیون در خطر است!

*اعتصاب غذای ۵۰۰ زندانی سیاسی رژیم پینوشه در روز جمعه ۲۸ نوامبر یک دادگاه نظامی در سانتیاگو سه تن از اعضا، جنبش چپ انقلابی (مپرا) را به اعدام محکوم کرد. اتهام این سه انقلابی، شرکت در ترور ژنرال اوروزوا در ماه اوت ۱۹۸۴ است. دوزن نیز که همراه این سه تن، محاکمه شده‌اند، به زندان طویل‌المدت محکوم گردیدند.

در اعتراض به نقشه پلید رژیم فاشیستی پینوشه برای قتل سه میهن‌پرست، بیش از ۵۰۰ زندانی سیاسی در شبلی دست به اعتصاب غذا زدند. محافل اپوزیسیون در سانتیاگو اعلام کردند رژیم در صدد است ۱۶ تن دیگر را به هلت شرکت در عملیات انقلابی به اعدام محکوم کند. محافل دمکراتیک و ترقیبخواه در سراسر جهان دست به تلاش گسترده‌ای زده‌اند تا توطئه پینوشه برای کشتار انقلابیون را خنثی سازند.

اخبار کوتاه

*درستول مفتاد هزار مأمور پلیس ویژه ضد شورش به یک تظاهرات ضد دولتی حمله کردند و دو هزار تن از مردم شرکت کننده در این تظاهرات علیه دیکتاتوری چون دو هوان را دستگیر نمودند. عکس، نشانگر صحنه‌ای از یورش پلیس به تظاهرکنندگان است.



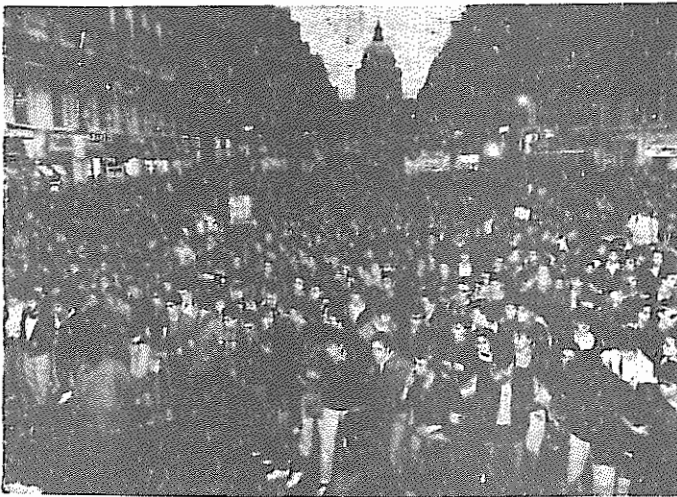
*اجلاس فوق‌العاده کنگره سوم حزب کمونیست کوبا برای تصویب برنامه جدید حزب به پایان رسید. در برنامه حزب مصوب کنگره سوم، استراتژی حزب کمونیست کوبا برای شتاب بخشیدن به رشد اجتماعی - اقتصادی و تکمیل ساختمان سوسیالیسم در کوبا تدوین شده است.

*مجمع عمومی سازمان ملل متحد با ۱۵۴ رای موافق قطعنامه کشورهای سوسیالیستی در محکومیت نظامی کردن فضا را به تصویب رساند. آمریکا به این قطعنامه رای منتهی داد. در این قطعنامه همچنین بر ضرورت انعقاد قراردادی در مورد منع آزمایشهای هسته‌ای تاکید شده است.

*نبرد میان شبه‌نظامیان امل و فلسطینی‌ها در لبنان ادامه دارد. در بیروت و صیدا زدوخوردهای مسلحانه دهها قربانی از میان غیرنظامیان گرفته است.

پاریس :

تظاهرات میلیونی علیه دولت شیراک



عکسی از تظاهرات دانشجویان در روز ۲۸ نوامبر، قبل از تظاهرات یک میلیونی علیه دولت شیراک

پنجشنبه گذشته پاریس شاهد تظاهرات با شکوه دانشجویان دانشگاههای سراسر فرانسه علیه نقشه دولت دست راستی ژاک شیراک برای دگرگون کردن نظام آموزش عالی این کشور در جهت منافع انحصارات بود. به گزارش خبرگزاریها، در این تظاهرات بی نظیر یک میلیون تن شرکت کردند.

طرح آلدووا که معاون وزیر آموزش فرانسه پیش بینی می کند موسسات آموزش عالی فرانسه، شرایط خاص خود را برای امتحان ورودی برقرار کنند، دولت کمکهای خود را به دانشگاهها قطع کند و در عوض، از دانشجویان شوریه دریافت گردد، و شرایط تحصیل به ضرر دانشجویان تغییر یابد.

بقیه در صفحه ۱

در دومین مقاله وادیم زاکلادین، معاون شعبه روابط بین المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی وضعیت جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری را در سالهای اخیر و در چشم انداز آینده بررسی می کند. نویسنده در این مقاله به بررسی مشخص فراز و فرودهای سالهای اخیر در این جنبش پرداخته و نظرات گوناگونی که پیرامون این تحولات در محافل سیاسی جهان طرح شده است را بررسی و تحلیل می نماید.

فصل دوم کتاب استراتژی اتحادهای طبقاتی در شماره ۱۲ آموزشهایی از انقلاب و سوسیالیسم آمده است. فصل اول آن در آموزشهایی از انقلاب و سوسیالیسم شماره ۱۱ منتشر شده بود. در فصل دوم به ویژه به بررسی مشخص مسایل اسلویی تشکیل اتحادهای طبقاتی با اقرار میان بنی سنتی و نوین پرداخته می شود.

در مقاله "توازن نیروهای جهانی و رشد روابط بین المللی"، به توضیح اسلویی بررسی روابط بین المللی از طریق بکارگرفتن اصل بررسی توازن نیروها می پردازد و خواننده را با شیوه علمی بررسی روابط بین المللی امروزی آشنا می سازد.

برای اشتراک نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه رسید بانکی پرداخت بهای اشتراک (و یا معادل آن کوبین بین المللی پستی)

به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراک نشریه "کار":	<input type="checkbox"/> شش ماهه
مارک ۱۳	مارک ۱۱	<input type="checkbox"/> یک ساله	
" ۲۴	" ۲۱		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراک نشریه "اکثریت":	<input type="checkbox"/> سه ماهه
مارک ۳۰	مارک ۲۷	<input type="checkbox"/> شش ماهه	
" ۵۸	" ۵۲	<input type="checkbox"/> یک ساله	
" ۱۱۵	" ۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 136
MONDAY DEC 86
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701 - 650
DR. GERTRAUD ARTNER

آغاز چهل و یکمین سال فعالیت
« اتحادیه بین المللی دموکراتیک زنان »

روز اول دسامبر "فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان" چهل و یکمین سال فعالیت خویش را آغاز کرد. این فدراسیون طی سالهای سرشار از تلاش و مبارزه در راه تحقق اهداف اساسی خود یعنی تساوی حقوق زنان، رفاه کودکان، استقلال ملی و صلح، پیروزیهای بزرگی به دست آورده است و به مثابه یک سازمان گسترده و نیرومند توانسته است زنان سراسر جهان را به زیر پرچم خود گرد آورد.

امروز زنان پیشرو کشورهای مختلف با نظامهای گوناگون حول برنامه فدراسیون متحد و متشکل شده اند. اتحاد نیرومند زنان در سازمان جهانی خود فدراسیون را به چنان مجمعی بدل کرده است که توسط بسیاری از دولتها، مجامع و سازمانهای بین المللی از جمله سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده است.

در شرایط حساس و خطیر جهان امروز که سیاستهای جنگ افروزان امپریالیستها حیات بشریت را

در شرایط حساس و خطیر جهان امروز که سیاستهای جنگ افروزان امپریالیستها حیات بشریت را

منتشر شد

شماره ۱۲ آموزشهایی از انقلاب و سوسیالیسم - آبان ماه ۱۳۶۵ - دارای ۴ مقاله به ترتیب زیر است:

- ۱ - وفاداری به اصول، انعطاف در تاکتیک ازی. بوگایف
- ۲ - طبقه بالنده از وادیم زاکلادین
- ۳ - استراتژی اتحادهای طبقاتی از گ. ک. وادالازوف
- ۴ - توازن نیروهای جهانی و رشد روابط بین المللی از وادیم زاکلادین

اولین مقاله به مناسبت هشتادمین سالگرد نگارش "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک" اثر و. ا. لنین نوشته شده است. مقاله ضمن بررسی شرایط روسیه در سیهدهدم انقلاب ۱۹۰۵ به تحلیل این شرایط پرداخته و سپس اسلوب لنین را در تحلیل این انقلاب شرح می دهد. این مقاله که در نشریه کمونیست "ارگان شوروی" منتشر شده است در توضیح جنبه های عام و خاص اسلوب لنین در برخورد به مقوله انقلاب دموکراتیک و رهنمودهای عام اسلویی این اثر، نوشته شده است.